



خروج از حلقه تکراری مردانه

گفت‌وگو با اولین مجری زن برنامه فوتبالی مردان صفحه ۱۳

میتسویشی و هوندا و کیا

پرونده شش خودروی خارجی که در دوره جدید واردات به ایران آمدند صفحه ۵



درد سر گناهکارانه محو کردن جسد!

بسیاری از قاتلان برای سرپوش گذاشتن روی اتهام سنگین قتل و انکار جنایت،

شیوه‌های عجیبی برای از بین بردن جسد به کار می‌برند

- تحقق یک رویا! / قیمت خانه‌های ویلایی پردیس، از ۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان شروع می‌شود
- چهره می روی بیت کاگان / نگاهی به موزیک‌های زیرزمینی که از سایه بیرون آمده‌اند • نگرانی‌های
- غلو شده ما / درباره دو کاندیدا و ولخرجی تیم‌های فوتبال و اینترنت • می‌خواهم زنده بمانم! / قصه‌های
- گمشده - پاورقی روزهای فرد • این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

دسته‌جمعی

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی ایران
پنجشنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۸۱۰
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان



داستان آن هفته طوفانی

بازخوانی تاریخی ۲۸ خردادماه تا ۲ تیر ماه سال ۱۳۸۴

- در بسته آخر هفته بخوانید:
- ترکمون زدن به کاخ زندگانی
- آبادآشت‌هایی خواندنی از ابراهیم افشار، احد بابایی منیر، مهدی افخمی و حمید رستمی
- برخیز، تابوت خود را عمودی کن و به زندگی ادامه بده
- شوخی‌ها و طنزهای شبکه‌های مجازی هفته
- مریبان اسپانیایی
- با فوتبال ایران نمی‌سازند
- برخلاف مریبان کروات، اسپانیایی‌ها هرگز در ایران نتیجه نگرفتند

ترور مجازی مهاجران معکوس

درباره برخورد تند کاربران فارسی زبان با کسانی که از مهاجرت پشیمان هستند

فاطمه رحبی | قبلا هم دیده بودیم که وقتی کسانی که از ایران رفته و کشور دیگری را برای زندگی انتخاب کرده‌اند و از مشکلاتی که در آن کشور دارند می‌گویند یا برخورد تند کاربران شبکه‌های اجتماعی مواجه شوند و به آنها گفته شود که اگر ناراضی هستند می‌توانند «برگردند»؛ دلایلش هم این است که عده‌ای فکر می‌کنند هدف کسی که از شرایط زندگی‌اش در کشورهای دیگر شکایتی دارد این است که بگوید مشکلات همه جا هستند و ایران هم خیلی اوضاع بدی ندارد اما اینبار ما شاهد حمله به کسی بودیم که واقعا همان کاری را کرده بود که کاربران همیشه حمله‌کننده می‌خواستند، یعنی وقتی دیده از شرایط ناراضی است برگشته، عجیب اینکه اینبار با او برخورد بسیار تندتری هم شد و موجی از اظهار نظر و نقد درباره ایجاد چنین فضایی علیه گفتن از واقعیت‌های مهاجرت به راه انداخت. ماجرا از رشته توییت کاربری به نام BEZIII شروع شد که در اولین توییت تصویری زیبا از دامنه کوه‌هایی از سوئیس را کنار عکسی از ساختمان‌های اکتانان گذاشته و اینطور توضیح داده بود:

«خب منم بالاخره ویزا شدم (البته به ایران) ... توی این رشته توییت میخوام توضیح بدم که چرا بعد از ۶ سال زندگی کارت پستی در سوئیس، برگشت به اکتانان رو ترجیح دادم. از الان بگم هدفم از نوشتن این توییت این نیست که بگم مهاجرت بده؛ بلکه می‌خوام بگم چه شرایطی باعث شد تا مهاجرت معکوس بکنم.

من ۶ سال پیش به لوزان سوئیس رفتم و فکر می‌کردم (حداقل از نظر آمار) وارد بهترین کشور دنیا شدم. طبیعت بسیار زیبا بود، آب و هوای نظیر بود (انگار همیشه اول فروردینه)، امنیت روانی و اجتماعی خیلی بالا بود (مثلا نه به زدی دیدم، نه به دعوا)، شرایط کارم خیلی خوب بود (محیط کاری زیبا، شرایط کاری خوب، رئیس مهربون)، و اینکه در نهایت حقوق خیلی بالایی داشتم. منتها به چیزی که دوستشون داری به اشتراک بگذاری، ممکنه بگید «تو نفست از جای گرم بلند میشه» و باید بگم دقیقا درست میگید و تمام مشکل از همین قضیه بلند میشد که وقتی توی ایران بودم، واقعا نفسم از جای گرم بلند می‌شد.

منظورم شرایط مالی و اینا نیست. من توی ایران از نظر ارتباطی آدم خیلی غنی‌ای هستم. بهترین دوست‌هارو دارم، با افراد خفن جامعه در ارتباطم، بهترین مهمونی‌هارو دعوت میشم و از همه مهم‌تر هر جا که برم آدماتو میشناسم. برای همین حس طرد شدن و از دست دادن «خودم» رو داشتم توی سوئیس. **ادامه در صفحه ۰۳**

فراز و فرودهای پنهان اقتصاد

یک دهه گذشته ایران در روایت سعید لیلاز؛ تحلیلی منصفانه از امتیازات و معایب دو دولت روحانی و سه سال دولت رئیسی

شود این است که در کنار کنترل تورم، حقوق ۲۰ میلیون خانوار را در شهریور و مهر غیر از آخر سال افزایش دستمزد دهیم ... تمام افسردگی حال کشور ناشی از فشار معیشتی است. نگر به نگر توضیح می‌دهم. کتاب کاپیتال مارکس اساسا راجع به همین است که چگونه ممکن است رشد اقتصادی اتفاق بیفتد اما همزمان مردم فقیر شوند و به رکود اقتصادی بینجامد. این همان اتفاق دو سال گذشته است.

- تحت عنوان مبارزه با تورم هفت سال قدرت خرید توده مردم نابود شد و تورم ذره‌ای کاهش پیدا نکرد.
- معتمد نرخ تورم به علاوه نرخ رشد اقتصادی باید اندکی کمتر از دستمزد افزایش یافته کارگر باشد. هر عددی غیر از این مانند آن موجب تورم می‌شود. نرخ رشد اقتصادی و تورم روی هم صد درصد بوده است و اگر نصف این مقدار افزایش حقوق داشته باشیم مثل الان رو به قسطلی فروشی می‌آوریم. تولید بالا رفته اما کاسب قدرت خرید ندارد. کشور کار سختی پیش رو دارد.
- در دولت آقای روحانی در سال ۹۶ سطح قدرت خرید کارمندان به سال ۹۲ کاهش داشت. قدرت خریدها متناسب با حقوق بود. در سال‌های ۹۷ تا ۹۹ به دلیل کرونا و تحریم سطح دستمزدها آسیب دید. اما در همان سال‌ها با هم افزایش دستمزدها بیشتر از سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ بود. آقای روحانی عملکرد خیلی خوبی داشت.
- در دوره آقای روحانی هم تحریم‌ها و کرونا بود و هجری در ۱۳ فروردین از مردم برای ماندن در خانه تشکر کرد. این پیشنهاد من بود که پول چاپ کنیم و به مردم دهیم. کاری که آمریکا و فرانسه کرد. تورم آمریکا در سال ۲۰۲۱ کم مانده بود تا دورقمی شود. دولت باید بین فروپاشی اجتماعی و تن دادن به کسری بودجه بود. در دوره کوهان یکی را انتخاب کند. اما این که از بانک مرکزی پول بگیریم و به هر نفر حدود یک میلیون بدهیم تا ثبات اجتماعی را نگه داریم یک بحث است. آن موقع مثل تمام کشورهای جهان ناچار بودیم یکی را انتخاب کنیم. درباره کسری بودجه تومی بین اقتصاددانان ایران است که هم ممکن بود به آقای رئیسی و هم به آقای پزشکیان آسیب برساند. دو درصد جی بی تی کسری بودجه در ایران داریم. در ترکیه این مقدار ۵ درصد بود. پس خوب این موضوع را جمع کردیم. تورم و کسری بودجه را به یک درصدی که به کانادا می‌روند نمی‌دهم و به توده مردم می‌دهم.
- اول از همه باید نرخ تورم را پایین بیاوریم. کشور ما جان این را ندارد هر چند سال یک بار تورم و نقدینگی را رها کنیم، در بازار بنزین ناترازی به وجود بیاید و با اصلاح قیمت بنزین هزاران نفر کشته شود. این غلط است. باید اول از همه ماشین رشد پول نقدینگی را از نفس ببندازیم. در وهله دوم باید افسار فرودست را مورد حمایت قرار دهیم. در مرحله سوم باید شوک درمانی را کنار بگذاریم. آقای پزشکیان و طبیب نیا نیز با این موضوع مخالف است. در حال حاضر روزی صد میلیون لیتر هدررفت گازوئیل داریم و نیروی انتظامی دائما با قاچاقچیان در حال مبارزه است. این قاچاق سازمان یافته است. باید به مردم قدرت انتخاب بدهیم.
- در دوره ۱۴۰۰ روحانی کشور را با وضعیت خوبی تحویل آقای رئیسی داد. در عرض کمتر از ۲۰ ماه آثار بدترین تحریم‌ها و پاندمی کرونا را پاک کردیم. در حالی که درآمد نفتی نیز نداشتیم؛ بنابراین نباید بی‌انصافی کرد. همین الان نیز ارزش افزوده بیش از حد است. ۹۶ درصد از تولید ناخالص داخلی آقای رئیسی فراتر از انتظار عمل کرد. در ایشان در دعوای سیاسی ادا نشد. یکی از روزنامه‌های اصلاح‌طلب به من گفت متهم به سیاه‌نمایی علیه شهید رئیسی شده‌ایم من گفتم بله این اتهام به شما وارد است.

نبرد طولانی با تحریم نقدینگی و کرونا

سعید لیلاز صریح حرف می‌زند و تا حد امکان منصفانه. بعد از وقایع سال ۸۸ دیگر کار اجرایی ندارد و به عنوان کارشناس اقتصادی ایده‌های خود را مطرح می‌کند. دیروز گفت وگویی با ایسنا داشت و خبرنگار ایسنا برای انجام یک گفت‌وگوی چالشی با او، سوالات را به شکلی مطرح می‌کرد که بی‌شاهد به نوعی باز پرسسی محترمانه رسانده‌ای نبود. البته این تمهید موجب شد تا مصاحبه خواندنی شود. قسمت بزرگ مصاحبه درباره رقابت پزشکیان و جلیلی است اما در بخش اول آن لیلاز شرایط اقتصادی کشور در گذر از دولت روحانی تا سه سال دولت حجت‌الاسلام رئیسی را تحلیل می‌کند. سوال‌ها را حذف کرده‌ایم و حرف‌های لیلاز را آورده‌ایم:

- در یکی دو جمله نمی‌شود اوضاع را توصیف کرد و از سویی اختلاف نظرات زیادی بین کارشناسان وجود دارد. در سال‌های ۹۷ تا ۹۹ به دلیل تحریم‌های فراگیر ایالات متحده که معتمد نه تنها در طول تاریخ ایران بلکه در طول تاریخ همه دنیا به سابقه بود، کرونا نیز اثرات مخربی بر اقتصاد کشور وارد کرد و در تاریخ بشر بی‌نظیر بود. در قرون وسطی وقتی طاعون از سمت پرتغال به ترکیه حرکت می‌کرد، در پرتغال تمام می‌شد اما کرونا این گونه نبوده بنابراین شرایط ایران در جهان استثنایی بود. فعالان اجتماعی و سیاسی، سیاستمداران و کارشناسان از این موضوع غفلت کردند. نمونه این اتفاقات جز در حمله مغول به ایران وجود نداشت. قبل از این دو اتفاق نیز، مشکلات ساختاری زیادی داشتیم. از نیمه دهه هشتاد فساد ساختاری تاکنون در کشور وجود داشته و حل نشده است. این صرفا به زبان نیست. نامانی اقتصادی و به تبع آن مسئله فرار سرمایه نیز وجود داشت. از نیمه دهه ۱۳۸۰ تا الان روند تشکیل سرمایه در ایران دائما منفی بوده است. فقط در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ این اتفاق نسبی پیدا کرد. در سال ۱۴۰۰ شرایط ایران بسیار بحرانی بود. از بهمن ۱۳۹۸ به این طرف موفق شدیم روند منفی رشد اقتصادی ایران را مثبت کنیم و این تا الان بی‌وقفه ادامه داشته است. با وجود همه این فشارهای بی‌همتا تا نیمه سال ۱۴۰۰ و نیمه اول تشکیل دولت سیزدهم اقتصاد ایران کاملا آثار منفی کرونا و تحریم‌ها را احساس کرد. حجم تولید ناخالص ایران در شهریور ۱۴۰۰ به اندازه پایان سال ۱۳۹۶ افزایش پیدا کرد؛ بنابراین این اقتصاد زنده و پویا است. در دولت مرحوم رئیسی در مجموع اتفاقات خوبی در اقتصاد کشور افتاد که هم رشد اقتصاد مثبت ادامه پیدا کرد و البته این بی‌انصافی است که بگوییم فقط در این دوره انجام گرفت. رشد سرمایه نیز اندکی بهتر شد. نرخ تورم ابتدا در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به شدت اوج گرفت و از ابتدای ۱۴۰۲ روند کاهشی آن شروع شد. هنوز هم اقتصاد ایران مشکل خود را دارد، ولی غفلت بسیار بزرگی در دولت آقای رئیسی در مورد معیشت مردم اتفاق افتاد. در حال حاضر قدرت خرید ۲۰ میلیون حقوق بگیر، بازنشسته و مستمری بگیران نصف سال ۱۳۹۶ شده است.
- اقتصاد علم عدد و رقم است. در اقتصاد کلان رشد اقتصادی مثبت بود و ماند. رشد تشکیل سرمایه مثبت است. نرخ تورم با سرعت بسیار اندک در حال کاهش است؛ البته در خرداد مجدد افزایشی شده است ولی در مجموع گویا زیر ۳۰ درصد خواهد بود.
- شما در هیچ کدام از اسناد بالادستی و پایین دستی و قانون بودجه و ... نمی‌بینید که مسئله جای دارای اهمیت باشد. کالاهای اساسی مانند گندم، برنج و دارو اولویت کشور هستند. ولی یکساره از منابع غیررسمی و عزیز کشور دور و نیم میلیارد دلار به واردات جای اختصاص داده می‌شود. نشان دیگر فساد سیستماتیک این است که تفاوت وحشتناک بین نرخ بانکی با نرخ تورم دارد.

ستون پنجمینشنبه دکتر امیررضا مافی

اتمسفر گسل‌ها

محمدعلی، پسر من، ده‌ساله است. پایان فعالیت رئیس‌جمهور بعدی - اگر دو دوره‌ای باشد، او هجده‌ساله خواهد شد و این یعنی کل دوران نوجوانی‌اش را در یک اتمسفر سیاسی رشد می‌کند. کمی به روزهای نوجوانی خودمان فکر کنیم، به روزهایی که هاشمی‌رفسنجانی، خامنه‌ی، احمدی‌نژاد یا حتی روحانی بر کرسی ریاست قوه مجریه نشسته بودند؛ کشور به‌رغم مشکلات فراوان، اتمسفرهای مختلفی داشت. اتمسفری که ما در آن تنفس می‌کردیم و هر کدام گزارشی از احوالات آن روزگار، بیم‌ها و امیدهایمان به خاطر می‌آوریم. فرزندان ما قرار است نوجوانی‌شان را در یک اتمسفر جدید رشد کنند. جوانان ما قرار است در این اتمسفر نو کار کنند، وارد زندگی مشترک شوند یا در دانشگاه‌ها درس بخوانند. حتی اگر قبول نداشته باشیم که در سیاست‌های کلی تفاوتی حاصل می‌شود، یا در شرایط اقتصادی، اوضاع متفاوت خواهد شد، باید بپذیریم که اتمسفر اداره هر کدام از روسای جمهوری بالا در حال زندگی ما تأثیر گذاشته است. ادراک و احساس عمومی ما متفاوت بوده و احوالمان فرق می‌کرده است. پسر من ده‌ساله است و هشت سال دیگر هجده ساله خواهد شد. من نگران حال او و هم‌نسلانش و بزرگترهایش هستم. نگران اتمسفری که در آن رشد خواهند کرد. فردا مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار می‌شود و بالاخره از میان مسعود پزشکیان و سعید جلیلی، یک نفر ردا ریاست‌جمهوری را به‌تن خواهد کرد. در هفته‌های گذشته درباره نداشتن ایده مرکزی، گفت‌وگو و روشن‌رشدن به‌روز و فقدان فرایند فلسفی در تداوم گفت‌وگو و اهمیت به رسمیت شناختن آراء و نظرات مختلف در کشور مفصل نوشتیم و با نگاه نقادانه، به اندازه بضاعت خودم، درباره آثار سوء شکاف‌ها و گسل‌های اجتماعی سخن گفتم. نگرانی‌ام از فرادای ایران و عدم مشارکت فعالانه نسل‌های جدید در امر سیاسی را شرح کردم و از آنچه به نظر نقاط ضعف و نقص ماست پرده برداشتم. مشارکت چهل درصدی در دور اول انتخابات، گویای آن نگرانی‌هاست. گویای شکاف عمیق میان بخش زیادی از مردم با سرنوشت خود، حالا اما یک نگرانی بزرگتر در پیش است. نگرانی از فرادای نزدیک کشور، فردایی که از همین شبه آغاز خواهد شد و ممکن است تا هشت سال همراه ما باشد. مشارکت چهل درصدی، یعنی فقدان حضور جمعی و تضعیف و تحلیل سرمایه اجتماعی. یعنی اتمسفری که دیگر مطلوب ما نیست. امروز گسل‌های متعدد اجتماعی فعال شده است. گسل میان نسل‌ها، اقوام، مذاهب، طرفداران و منتقدان حاکمیت، مشارکت‌کنندگان سیاسی و تحریمی‌ها. مذاهب‌ها و غیرمذهبی‌ها. متولدان دهه هشتاد و نود با متولدان دهه پنجاه و شصت. استفاده‌کنندگان از اینترنت جهانی و تحریم‌کنندگان آن، حتی گسل میان کسانی که نام انقلابی و حزب‌اللهی را پدک می‌کنند. گسل‌های اجتماعی یعنی زخم‌های عمیقی که مدام در حال خونریزی است و جان وطن را می‌گیرد. گسل‌هایی که اثر آن صرفا بر شکل اداره دولت نیست، بلکه بر کل اتمسفر ایران و ایرانی مؤثر خواهد بود. **ادامه در صفحه ۰۳**

دستور زبان عسفه

کاش هوا بودم!

اگر انمی خواستی ام،

نمی توانستی…

هفت صبح ِ روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی <p>سال چهارم ِ شماره ۱۳۸۰ پنجشنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۲</p> <p>صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار</p> <p>مدیر عامل: علی مزینانی</p>
مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرابکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

نگرانی‌های غلوشده‌ما

درباره‌دو کاندیداو ولخرجی تیم‌های فوتبال و اینترنت

احساس می‌کنم یکی از کاندیداهای محترم در صورت پیروزی، بخش‌های مترقی و موفق دولت رئیس‌ی را متوقف خواهد کرد و آنها را به دست همان نگاه فوق ایدئولوژیک مورد علاقه‌اش خواهد سپرد. وقتی اطرافیان این نامزد را می‌بینم و با توجه به آنکه حافظه تاریخی‌ام خوب کار می‌کند طبیعتا نگران می‌شوم. کنسرت‌ها و فیلم‌ها و ورزش بانوان و خودرو و رشد اقتصادی، آ یا ضغامی و مخبر و اسماعیلی و خاندوزی و علی‌آبادی در دولت احتمالی این کاندیدای عزیز حضور خواهند داشت؟ یا باید جایشان را به رادیکال‌های اخ‌الزمانی بدهند که برای خود نقشی اساطیری قائل هستند و در مورد جنگ غزه طوری صحبت می‌کنند که انگار یک نبرد کامپیوتری است. مشاورانی که آن قدر سعی کرده‌اند به زبان مردم سخن بگویند که به ورطه پیش‌یا افتادگی و کودکانه سخن گفتن و کودکانه توثیت زدن فرو غلتیده‌اند و راحت تهمت می‌زنند و عاشق دوقطبی‌های متخاصم هستندند و یا هوادارانی که آن قدر در «بی‌تعرف» صحبت کردن پیش رفته‌اند که خود را طالبان شریعت می‌نامند، افق این طرفداران و مشاوران حتی از افق حاکمیت و مقامات بلند پایه‌اش فراتر رفته است. تعداد روایت‌هایی که از سرسختی این کاندیدا در عرصه دیپلماسی روایت شده آن قدر زیاد

است

و متنوع است که نمی‌توان آنها را شایعه و افسانه پردازی نامید. هر چند امیدواریم شایعه باشد. راستی جانشین امیر عبداللهمان فقید چه کسی خواهد شد؟ علی باقری که زبان دیپلماتیک را تازه دریافته است؟ این را هم بعید می‌دانم! هر چه باشد بخشی از موفقیت دیپلماتیک دولت رئیس‌ی مدیون تلاش‌های امیر عبداللهمان فقید بود که راه و روش خاص خود را در عرصه مرادوات جهانی داشت. از طرفی مشاورین و حامیان آن یکی کاندیدا آن قدر از برجام حرف می‌زنند که آدم غمگین می‌شود. چرا یک سند باطل شده که در صف کشتی‌های فعلی جهان ندارد ادحیا شود این قدر باید مهم باشد؟ چرا مشاوران این کاندیدا به این وسوسه تم‌رکز روی برجام می‌شود. یعنی ۱۸ میلیارد تومان باشد. اما حالا شایعات حرف از شصت هفتاد میلیارد تومان است. یعنی بیش از یک میلیون دلار آن هم برای بازی و زندگی در همین ایران خودمان! سوالی داشتم از مدیران مالی عزیز تیم‌های نیمه دولتی: چه دل بکنند.

شاید هم همه این نگرانی‌های ما غلو شده باشند. به هر حال فردا هر چه شود ان‌شاءالله به صلاح و خیر مردم این سرزمین باشد.

آقا قیمت فوتبالیست خوبی مثل استاد لیموچی گوش چپ تیمم آلومینیوم اراک در مارکت جهانی چقدر است؟ اصلا شرایط

سرخوش میشی… و خیلی واضحه که بعدش، همین جملات بی‌صاحبی که از دهنت در اومده، برات میشه دردرس و شرو… یعنی چفت و بست دهنِت، دست خودت نیست. چند روز پیش، به لطف یکی از این حملات، یه کیسه قرص رو خالی کردم دو معدم و در نتیجه در بهترین حالت روحی و روانی قرار گرفتم و با صدای بوق ماشین‌ها هم حال میکردم.

در همین حالات عرفانی و فرازمینی، یکی از دوستان بهم زنگ زد و اززم پرسید که فلان سریال رو دارم یا نه… من که سریال‌ها و فیلم‌ها، جزئی از وجودم هستند و فکر این که دست کسی روی «دی وی دی» های نازنینم کشیده بشه، منو به مرز جنون میرسونه، یا لبخند ملیحی گفتم:

«ااااا… بالااااا… حتما. چرا که نه… بیا ازم بگیر. اصلا قابلتو نداره… میخوای خودم برات بیارم. تعارف می‌کنی؟ والا… والا… همین الان خودم میارم برات ها، والا… والا…» خلاصه، بدبخت رو کلی خوشحال و امیدوار کردم، صبح فرداش زنگ زد. یا یه اعصاب جویده شده و خمار از قرص‌های ضد اضطراب و یا صدایی دور که جواب دادم: «بله؟» با کلی ذوق و شوق، سلام علیک کرد و با افتخار و خوشحالی گفت که جلوی دره… من هم که از بیخ، موضوع یادم رفته بود و به در در دنبال یکی می‌گشتم که سر صبح پاچه‌اش رو بگیرم، گفتم:

– «خب ؟» / «خب، بیار دیگه…» / «چیو؟ /

از خصوصیات زیباش بخوام براتون بگم، اینه که خیلی ملاحظه درست و درمونی نداره و کلا هست همیشه و فقط باید آرم باشی بجز بریزی تو حلق. فشنسنگ ت از اون این که، این آرام بخش‌ها، چیزی رو حل نمیکنه. فقط تا اون لحظه که این قرص‌ها در خون بدن، واسه خودشون میچرخن، حالی میکنی برای خودت و فکر میکنی چیزی همه چیز بر وفق مراد… مشکل اساسی اینجاست: الکی قول میدی به این و اون، اظهار محبت‌های بی‌جامینگی و کلا

امام صادق علیه السلام

المومنّ لَا یَمْنَعُ عَلَیْهِ اَبْعُوْنَ لِیَلَهُ الْاَعْرَضُ لَهُ اَمْرٌ یَحْرَهُ یَدْعُرُ بِهِ

چهل شب بر بنده مومن نگذرد مگر اینکه واقعه‌ای برایش رخ دهد و او اغمگین سازد و به واسطه آن، متذکر گردد.

اصول کافی(ط-الاسلامیه)، ج۲، ص ۲۵۴

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۷:۰۲ | طلوع خورشید ۰۵:۰۴ | اذان ظهر ۰۹:۱۲ | غروب خورشید ۰۳:۱۹ | اذان مغرب ۰۴:۴۴

گفت‌وگو

سایت‌نگار

رباط صلیبی سارا، شمایل جالب هدیه، توضیحات مفصل د کتر نمکی

❖ **سارا بهرامی** بازیگر قرار بود از شب گذشته، سه‌شنبه ۱۲تیر با بازی در نمایش «جیب‌های پر از نان» روی صحنه برود اما به دلیل آسیب‌دیدگی **پایش در حین تمرین نمایش و مشکلی که برای رباط صلیبی او به وجود آمد، اجرای این نمایش برای آرزو به تاخیر افتاد.**

به گزارش ایسنا، ایمان یزدی، مجری طرح این اثر نمایشی درباره وضعیت سارا بهرامی و در پاسخ به اینکه آیا او توانایی حضور روی صحنه را خواهد داشت، به ایسنا گفت: پزشک درمانگر برای خانم بهرامی، سه روز استراحت و چند جلسه فیزیوتراپی تجویز کرده و خوشبختانه شرایطش بهتر شده است و توانایی حضور روی صحنه را پیدا خواهد کرد. او ادامه داد: «به دلیل شش‌رابط خاص خانم بهرامی، ایشان در برخی از حرکت‌ها، محدودیت دارد و به همین خاطر، تغییراتی در میزانشن داریم چون به هر حال خانم بهرامی باید پای خود را ثابت نگه دارد.»

❖ **سعید خانی مدیر دفتر بخش خانه فیلم درباره تعویق اکران فیلم «روزی روزگاری آبادان» گفت:** «به دلیل شرایط دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور تصمیم بر این شد که فیلم «روزی، روزگاری آبادان» پس از ایام تاسوعا و عاشورا اکران شود.»

به گزارش ایسنا، وی درباره شایعه توقیف این فیلم به دلیل حضور بدون حجاب فاطمه معتمد آر ی‌ادر یک جشنواره بین‌المللی گفت: «چنین چیزی صحت ندارد و دلیل تعویق این فیلم، برگزاری انتخابات است. حداقل تاکنون که چیزی مبنی بر توقیف این فیلم به من اعلام نکرده‌اند.»

❖ **محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه جلسه هیات‌دولت در جمع خبرنگاران اظهار کرد:** «کسانی که دولت آیت‌الله رئیس‌ی را قبل از شروع منتهم به سخت‌گیری در حوزه فرهنگ و هنر می‌کردند، امروز ببینند و منصفانه، نظر بدهند.»

به گزارش ایسنا، اسماعیلی در پاسخ به پرسشی درباره کنسرت علیرضا قربانی در تخت جمشید گفت: «به‌جز تخت‌جمشید، مجموعه‌های تاریخی دیگر هم میزبان کنسرت هستند. مثلا همین الان، مجموعه تاریخی سعیدآباد نیز میزبان یک اجرای شبانه چند هزار نفری است. ما با همکاری دوستانمان وزارت میراث فرهنگی با توجه به تمام اقتضانات این رویداد را بر گزار کردیم. وظیفه اولیه ما حفظ میراث تاریخی فرهنگی است.»

او ادامه داد: «همه اتفاقات را پیش‌بینی و استانداردها را در نظر گرفتیم. این رویداد تا امروز بی‌سابقه بود. افرادی که این دولت انقلابی را منتهم به انقباض و سخت‌گیری در حوزه فرهنگ و هنر کردند، امروز منصفانه تحلیل کنند. این اولین بارها متعدد در حوزه فرهنگ و هنر تکرار شده است و اجرای تخت‌جمشید یکی از این اولین‌ها بود.» عزت‌الله ضراغمی نیز از کنسرت علیرضا قربانی در تخت جمشید به عنوان یک افتخار یاد می‌کند و در واکنش به حاشیه‌های بر گزار‌ی این رویداد به حضور ۴۰۰ه‌شقر در این کنسرت اشارت کرده و گفته است: «تابوی کنسرت در پایگاه‌های تاریخی، در دولت رئیس‌ی شکسته شد.»

❖ **دکتر نمکی، وزیر بهداشت دوره دوم دولت روحانی درباره برخی انتقادهای مطرح شده درباره واردات واکسن توضیح داده است که در بخشی از آن آمده:** «ماکسن سینوفارم چین در تاریخ ۰۱/۱۱/۱۳۹۹ از وزارت بهداشت چین اجازه مصرف گرفت ولی ما از تابستان همان‌سال با رایزنی‌های سفیر محترم کشورمان در پکن پیگیر عقد قرارداد بودیم. بزرگ‌ترین بهانه دولت چین که ظاهر ا‌هم پیمانان کشورمان بود، برای عدم عقد قرارداد مشکلات تحریم آمریکا بیان می‌شد، پس از ماه‌ها رایزنی و بحث فنی موافقت کردند که واکسن را تحویل صلیب سرخ دهند و تحویل گیرنده داخلی، هلال احمر باشد و کلیه واریزی‌ها، به‌حساب صلیب سرخ صورت پذیرد و حتی ما نباید اسم واکسن و کشور سازنده را اعلام کنیم که شرکت سازنده مورد دشمن و بی‌مهری شرکت‌های آمریکایی سازنده مواد اولیه تولید واکسن قرار نگیرد. کلیه مدارک و مستندات موجود است.

ورود انبوه واکسن در تابستان ۰۴۰۰، نتیجه دیپلماسی مقتدرانه نبود؛ حاصل مذاکرات و قراردادهای قبلی، افزایش پوشش و اکسیناسیون مورد قبول در کشورهای سازنده و فروکش کردن پاندمی در جهان و همچنین رانداندازی پلنت‌های متعدد در جهان بود که تولیدشان از تیرماه به بعد به بازار جهانی عرضه‌شده. در طول ایام کرونا که خیلی از کشورها، بیماران کرونایی آن‌ها در حیات بیمارستان‌ها و پارک‌ها آواره بودند، حتی نگذاشتیم یک بیمار غیر کرونایی هم بدون تخت و مراقبت‌های ویژه بماند. به همت مردم و همراهی دستگاه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و عنایت پروردگار، دو ماهه ماسک و گان آن قدر تولید کردیم که صادر شده. صدها بیمارستان و مرکز درمانی بیماران بستری را به اکسین‌ساز مجهز کردیم. داروهای مورد نیاز را به سرعت در کشور ساختیم که موجب حیرت همسایگانمان شد. ساخت واکسن داخلی را آغاز کردیم و در آخر خردادماه ۰۴۰۰، به مرحله آزمایش برای مصرف رساندیم. بفرمایید آمار مصرف ارز را در سال پر بلا و برمصرف کرونا یعنی سال ۱۳۹۹ برای دارو و تجهیزات پزشکی برایتان بیآورند. ببینید با تکیه بر تقویت تولید داخل در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۴۰۳ که سال‌های آرام کشور بود، چقدر ارز مصرف کردیم.

❖ **دکتر زمان‌زاده، رئیس شورای‌عالی نظام پرستاری با بیان اینکه ترک کار و عدم‌ماندگاری از دیگر چالش‌های جامعه پرستاری به حساب می‌آید، گفت:** «میزان ماندگاری در حرفه پرستاری، کم است و پرستاران ترجیح می‌دهند به گروه‌های شغلی دیگر روی بیاورند. درآمد ماهیانه یک پرستار حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان است؛ در حالی که یک ناخن‌کار چندین میلیون تومان درآمد دارد و بیشتر از درآمد ماهیانه پرستار است. درآمد ۱۵ تا ۲۰میلیونی پرستاران با وجود شیفت‌های سخت و تعداد زیاد بیماران است که تحت نظر دارند. با وجود سختی کار فراوان، انتظارهایی از این گروه شغلی وجود دارد و خواهان انجام کارهای بزرگ هستند. در حال حاضر، هر پرستار معادل ۳ تا ۴ نفر کار می‌کند. مهاجرت‌های شغلی و مهاجرت جغرافیای به دلیل مسائل معیشتی است؛ جامعه پرستاری از دولت آتی می‌خواهد به موضوع ماندگاری شاغلان این گروه شغلی توجه کند.

❖ **بخشی از یادداشت‌زننده عبدالجواد موسوی در خبر آنلاین:** حرف‌های رئیس ستاد آله جلیلی را که حتما شنیده‌اید. همان که تاسی از معجزه هزاره سوم هواداران رقیب را، بیسماند و زیاله خواند و یک رقابت انتخاباتی را به جنگ سبیل‌کفر و اسلام تشبیه کرد. تصور بفرمایید این بزر گوار بشود و زیر کشور. مسلمان نشود، کافر میند. خود جناب جلیلی هم البته‌وضعی بهتر از این‌ها ندارد. شب اول مناظره آن قدر خوش‌رو و مودب ظاهر شد و آن قدر از رقبیش تعریف و تمجید کرد که نزدیک بود من هم که این طایفه را خوب می‌شناسم، گول بخورم و برارم بنویسم آدم به این نازنینی چرا باید اطرافیانش چنین کسانی باشند؟ یاد برده بودم که: «لجینس جذب الجنس». یا به قول خواجه شیراز: «با کافران چه کارت، گرت نمی‌پرستی؟» نگو که آن چه دیدیم نمایشی بود از مناتت و ادب و همین که جنابشان فهمید اگر به همین منوال ادامه دهد، باید کماکان زنبیل به دست توی صف بایستد. ترجیح داد اخلاق، مخلقی را بی‌خیال شده، آن روی واقعیش را به نمایش بگذارد. همان رویی که اطرافیانش را بسیار خوش می‌آید. البته که نمایش آن روی دیگر هم حاصل چندانی نداشت؛ جز آن که همان یک ذره

واکو‌ه‌های‌انتظار

کاش /ایان‌یکی‌از این‌روزها

شب‌نیاشد تو

باشی!

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه سازاد، پلاک ۳ <p>کد پستی ۰۵۳۵۰-۱۵۶۶۷</p> <p>تلفن و نمابر: ۰۲۸۵۴-۸۸۴۰۳۸۵۴ <p>شماره پیامک: ۰۹۲۰۰۰۱۷۰۰۹۲۰</p> <p>سازمان آله‌ها: ۰۲۱-۸۸۴۳۱۹۸۸ <p>توزیع: دنیای اقتصاد تابان اجاب: پیام‌همشهری-جام‌جم <p>اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com</p></p></p></p>

سایت‌نگار

رباط صلیبی سارا، شمایل جالب هدیه، توضیحات مفصل د کتر نمکی

تصویر مثبتی را هم که در ذهن مخاطبان داشت، از بین برد. در واقع حضرتش هم اخلاق را باخت و هم سیاست را. باینیه آقای دکتر زداوری اردکانی را نمی‌دانم خوانده‌اید یا نه اما حقیقتش را بخواید من وقتی خواندم، وحشت سراپایم را گرفت. فیلسوفی که سرد و گرم روزگاران را چسبیده است و بالا و پایین‌شدن‌های بسیاری را به چشم دیده است و از کودتای ۲۸ مرداد تا امروز را در میان این مردم زیسته است، چرا باید این قدر هراسان باشد از سر کار آمدن احتمالی دولت جلیلی و دوستانش؟ این پیرمرد ۹۱ساله چرا باید این قدر از آمدن این گروه خشن بینمک باشدد که به صراحت بنویسد: «این انتخاب، میان بودن و نبودن ایران است». این حرف‌ها نمی‌تواند اغراق‌شاعرانه یا بزرگ‌نمایی‌اهل سیاست باشد. تا جایی که من به خاطر دارم د کتر داوری هیچگاه در زندگی‌اش این قدر صریح و بی‌پرده، درباره یک اتفاق یا یک شخص سیاسی حرفی نزد.

❖ **برترین‌ها برای هدیه تهرانی سنگ تمام گذاشته؛** در بخشی از آن آمده: «تصویر اثری آن زن متجدد جین‌پوش که شالش را پشت گوش‌هایش جمع می‌کرد، نهایت اغواگری و تمثیلی از زن اجتماعی در سال‌های رونق اصلاحات بود، هدیه تهرانی با شمایل‌ی بی‌بدیل، نماد تجدد و حق‌طلبی زنان ایرانی شده بود و بعدتر در زندگی شخصی‌اش هم موفق شد، هم‌پای نمادی که ساخته بود، دوام بیاورد و پرستیژ خود را حفظ کند. از فعالیت‌های ریست‌محیطی تا کاراکتر موقر و دور از حاشیه‌ای که داشته و دارد.

هدیه تهرانی در روزهای نخستین تابستان ۱۳۵۱ در تهران به دنیا آمد. دیپلم دارد و پدر هدیه با مادرش که از خانواده‌ی میرزایی که از گرگانیان اصیل بودند، ازدواج کرده. او علاوه بر بازیگری، در عکاسی و ورزش هم دستی بر آتش دارد. آن‌طور که خودش گفته هیچ‌وقت به صورت جدی و عاشقانه پیگیر بازیگری نبوده ولی به هر حال برایش جذابیت داشته است.

هدیه تهرانی برای بازی در فیلم «روز واقعه» انتخاب شد، اما بعدها لادن مستوفی جای او را گرفت. گیانوش عیاری هم او را برای بازی در «بودن یا نبودن» انتخاب کرد که بعدها، عسل بدیعی جای او را گرفت. اما سرانجام مسعود کیمیایی او را برای فیلم «سلطان» انتخاب کرد و بدین ترتیب، او وارد سینمای حرفه‌ای شد. بازی‌های بی‌نظیر هدیه در «کاغذ بی‌خط»، «قرمز» و «شش‌کوران»، تحول عظیمی در کارنامه هنری او ایجاد کرد و سیمرغ‌های بلورین را برایش به ارمغان آورد. در ادامه این مطلب نگاهی به نقش‌های ماندگار هدیه تهرانی داشته‌ایم که قطعا مرور دوباره‌اش خاطرات گذشته را زنده می‌کند.

فردون جیرانی‌پتر از کیمیایی و احمد امینی، به قدرت بازی تهرانی پی برده؛ اینکه او در استفاده از بدن و اندام‌ها، امساک می‌ورزد و بیان خوبی دارد. «قرمز» درباره زنی بود که استقلالش را در برابر مرد بیماری به دست می‌آورد؛ بازی آرام، کم‌تنش و لحن بیان راحت و سرد تهرانی «مشرقی» را به ماندگارترین شخصیت آثار جیرانی بدل کرد. اعطای سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن، خوشامدگویی به چهره تازه سینمای ایران بود.

❖ **محمد‌هاشمی، رئیس سابق صداوسیما، در خصوص وضعیت دور اول چهاردهمین انتخابات ریاست‌جمهوری گفت:** «این ۶۰درصدی که رای ندادند و آن حدود ۴۰درصدی که رای دادند، برای کشوری که مردم‌سالاری دینی یا دموکراسی دارد، وضعیت خوبی نیست. علت اینکه مردم رای ندادند، تفاوت دارد. برخی وضعیت معیشت مردم، تورم، مسائل اقتصادی نامناسبی و بی‌کفایتی یا مهاجرت میان نخبگان را مطرح می‌کنند. گروه‌های مختلف یک سراسر از عوامل دیگر را بیان می‌کنند؛ اما واقعیت این است که ۴۰درصد، علامت خوبی نیست. در یکی از انتخابات‌های قبلی، آقای بنی‌صدر که در پاریس بود، یک مقاله در یک روزنامه فرانسوی نوشت: «ها از اول می‌گفتیم این‌ها در دز، قاچاقچی و قاتل هستند، کسی باور نمی‌کرد. حالا شما ببینید خودشان دارند به خودشسان می‌گویند.» این‌ها نظام را تخریب می‌کند. متأسفانه در دور اول مناظرات هم برخی از افرادی که نامزد بودند و شرکت کردند، اخلاق را رعایت نکردند، از شیوه تهمت‌زنی و تخریب رقیب استفاده کردند که خودشان را معرفی‌کنند و در مرحله دوم هم برخی همین روش را در پیش گرفتند؛ بنابراین این شیوه، شیوه غلطی است. شیوه اساسی آن است که طرف هر چه که هست، خود را معرفی‌کند و مردم تشخیص دهند.

رئیس پیشین صداوسیما در خصوص شائبه جانبداری صداوسیما از برخی از نامزدها، گفت: «صداوسیما که این مناظرات را پخش کرد، نباید اجازه می‌داد هر کسی، هر حرفی را بزند و واقعا رعایت‌کند. صداوسیما اصولی دارد و باید این مسائل را کنترل کند؛ ولی به دفعات دیدیم که کنترل نکردند. برخی هر طور که دلشان خواست رفتار کردند و تهمت زدند. به برخی از افرادی که نام برده شدند، اجازه صحبت ندادند و صداوسیما هم اقدامی نکرد که این شیوه غلطی است.

❖ **فاطمه سادات بکائی در تابناک نوشت:** «یک فریم عکس از لحظه رای‌دادن مهدی کرویی منتشر شد که بخشی از آن برای مخاطبان فضای مجازی جالب توجه بود. یک جلد کتاب روی میز کنار دست کرویی است که برای خواننده‌های کتاب آشناست؛ کتاب خاطرات رهبر معظم انقلاب از روزهای مبارزات سیاسی و زندان ساواک که این کتاب با عنوان «خون‌دل‌ی که لعل شد» منتشر شده است. شاید خیلی‌ها نمی‌دانند که این کتاب اولین‌بار به زبان عربی، از بیانات رهبر انقلاب به زبان عربی و در خارج از کشور منتشر شده است. نسخه فارسی در اصل نسخه ترجمه شده نمونه اصلی است که برای علاقه‌مندان داخل کشور منتشر شده است. به بهانه عکس و توجهاتی که به کتاب جلب شده است با محمدعلی آذرشب گردآورنده نسخه اصلی کتاب که پیرمرد شیرین سبلی را به‌چهره غلیظ عربی است و می‌شود گفت که یکی از دوستان رهبر انقلاب است، گفت‌وگویی کوتاه داشتیم.

در یک جلسه‌ای که قرار بود آقا به زبان عربی درباره مسائل مختلف جهان اسلام، ادبیات عرب و موضوعات فرهنگی صحبت کنند، پیشنهاد شد ایشان درباره زندگی خودشان به ویژه زندگی مبارزاتی خودشان هم حتما به زبان عربی صحبت کنند تا به دست مخاطبان جهان عرب برسد. آقا از تاریخ سیاسی و تاریخچه خدمت‌خودشان به قرآن شروع کردند به زبان عربی صحبت کردند تا به فراز و فرودهای زندگی مبارزاتی خودشان رسید و درباره آن حرف زدند.

من در همان جلسات، مسئولیت نگارش صحبت‌های عربی ایشان به صورت کتاب را برعهده گرفتم و بعد هم کتاب در کشورهای عربی چاپ و منتشر شد که سیدحاجد بنصرالله هم در یکی از سخنرانی‌های خود آن را معرفی کرد.

بعد از معرفی کتاب توسط سیدحسین نصرالله عزیز و جلب توجه مردم ایران به موضوع کتاب که خاطرات رهبری است، دوست عزیزی به نام آقای باتمان کلیچ کتاب اصلی را به فارسی ترجمه کرد. به عبارت دقیق‌تر کتاب «إن مع الضبر نصر» مکتوب صحبت‌های رهبر معظم انقلاب به زبان عربی است و بعدها به زبان فارسی ترجمه شده و تحت عنوان «خون دل‌ی که لعل شد» به چاپ رسید.

ایشان کتاب بیشتر و بهتر از کسانی که زبان مادریشان عربی است، می‌توانند به زبان ادبی عربی صحبت کنند. آشنایی شگفت‌انگیز ایشان با زبان عرب حتی ممکن است بیش از بعضی از استادان ادبیات زبان عربی باشد. اطلاعات ایشان در زمینه زبان عربی فوق‌العاده است. از کتاب مطول گفتارنی گرفته تا دیوان‌های شعرا و کتاب الاغانی ابوالفرج اصفهانی به آثار شاخص تسلط بسیار ویژه‌ای دارند. به طور خاص می‌توانم بگویم که آقای خامنه‌ای را می‌شود به عنوان یک متخصص زبان و ادبیات عرب کاملا مسلط شناخت.

از این رستوران لذت ببرید!

نگاهی به دیسفروتار، برترین رستوران جهان



رستوران «دیسفروتار» به معنای «لذت ببرید» که در بارسلون اسپانیا واقع شده، در صدر فهرست ۵۰ رستوران برتر جهان رتبه بندی شده و انتظار برای رزرو میز در آنجا یک سال طول می کشد.

این رستوران از سوی بسیاری از راهنمایان معتبر از جمله میشلن، حائز رتبه های برتر شده است. برای سرآشپزهایی که این رستوران را راه انداخته اند، دریافت لقب بهترین رستوران جهان افتخار بزرگی است که برای دستیابی به آن سال ها زحمات کشیدند. این سرآشپز به نام های «یورول کاسترو» و «متیو کسانتیاس» و «دوارد زاتروچ» نخستین بار در رستوران افسانه ای «یوبی» با یکدیگر آشنا شدند، جایی که آنها به عنوان سرآشپز تحت دستور «فران آدریا» و «خولی سولر» کار می کردند. در آنجا بود که این سه نفر که همگی اهل کاتالان هستند، مهارت های خود را تقویت کردند و دانشی را به دست آوردند که اکنون آنها را به ایوان دستاوردهای آشپزی رسانده است.

شرکت سرآشپزهای برتر با غذاهای اسپانیایی
این سرآشپز در سال ۲۰۱۲ میلادی تصمیم گرفتند با هم شریک شوند و اولین رستوران خود با نام «کامپاتیر» به معنی «به اشتراک گذاشتن» را در شهر کاداکس واقع در استان خیرونا افتتاح کنند. از آن زمان، این شرکا توانستند ۲ رستوران دیگر هم در بارسلونا افتتاح کنند: رستوران «دیسفروتار» در سال ۲۰۱۴ و یک رستوران دیگر در سال ۲۰۲۲ که به اسم آن هم «کامپاتیر» گذاشتند. آنها در خصوص کسب

بنگه دنیا

فصل سقوط رویای آمریکایی؟



رامتین لطیفی | «رویای آمریکایی» عبارتی نام آشنا و صدساله است. در وصف آن آمده است که درون مرزهای آمریکا، هر کسی می تواند با تلاش و اراده به موفقیت هایی ورای حد تصور برسد. شاهدی بر این ادعا، ریاست جمهوری باراک اوباما بود. او که اجدادی آفریقایی و فقیر داشت، توانست در بهترین دانشگاه آمریکا تا مقطع دکترا تحصیل کند و به عنوان سناتور وارد مجلس سنا شود و از آنجا به کاخ سفید برسد. امروزه اما شرایط دگرگون و این رویا کم رنگ شده است. به نحوی که تنها حدود نیمی از آمریکایی ها، یعنی ۵۳ درصدشان می گویند این رویا هنوز زنده است و به حیاتش ادامه می دهد. ۴۱ درصد از مردم این کشور می گویند زمانی برای مردم امکان دستیابی به رویای آمریکایی وجود داشت اما دیگر چنین نیست و این مسیر مسدود شده است. البته بر اساس نظرسنجی اخیر مرکز تحقیقات پیو از ۸۷۰۹ بزرگسال آمریکایی، ۶ درصد

منطبق بر سبک سنتی است و خلایق سر آشپزها در آن دخالتی نداشته، مانند دونات معروف پانچینو پر از خاویار یا ساندویچ گازپاچی منجمد در خشان. منوی دوم، منوی جشنواره نسان دارد و در آن اقلام کلاسیکی به چشم می خورد که خلایق سر آشپزها در طعم سازی در آن مشهود است. از جمله اقلام این منوی جذاب می توان به کوتل فیش به سبک تایلندی یا نارگیل های کروی و اسپاگتی با بادام و انگور اشاره کرد. پر فروش ترین اقلام این رستوران شامل، مارماهی دودی و تاپاس اسپانیایی است که آن را با نام «گیلدا» سرو می کنند.

لیست انتظار یک ساله
چای تعجب نیست که تقاضا برای رزرو این رستوران رکورد بالایی زده است. ویسنته لارا در این باره گفت: «از زمانی که جایزه را گرفتیم رزرواسیون رو به افزایش است، پیش از آن لیست انتظار ما هفت یا هشت ماهه بود، اکنون باید یک سال در انتظار ماند.» او در عین حال می گوید این جایزه انتظارات مشتریان را بسیار بالا برده و این به معنای فشار بیشتر برای تیمی است که اکنون تعداد آن به ۷۵ نفر می رسد.

در طی ۲۲ ساله که این رتبه بندی منتشر شده است، رستوران های برنده در منطقه کاتالونیا واقع در شمال شرقی اسپانیا هشت بار جزو بهترین ها بوده اند.

قیمت
اگر تنها برای صرف غذا به دیسفروتار بروید، میانگین قیمت هر وعده غذا در این رستوران، حدود ۲۹۰ یورو برای آن خرج برمی دارد. البته بسیار سخت است که با در این رستوران گذاشت و لب به پیش غذاهای نوشیدنی های این رستوران می توان ترکیب بیخ، طعم دود، عطر در چین و... را گرفت و پیش غذاهایی نیز در آن سرو می شود که در هیچ جای دیگر نمی توان آن را دید. برای مثال یکی از این پیش غذاها ترکیبی از زرده تخم مرغ، زلاتین، قارچ مخصوص، شکلات، فلفل سفید و نمک است و شاید در نگاه اول تصور کنید که چگونه می توان این طعم ها را با یکدیگر ترکیب کرد اما باید بگوییم این ترکیب خلاقانه، تمام مشتریان را مسحور و جذب کرده است.

اگر علاوه بر غذا، به سراغ نوشیدنی ها بروید، باید به طور میانگین ۱۶۰ یوری دیگر خرج کنید و منوی پیش غذا هم برای آن ۹۴ یورو خرج برمی دارد. البته اگر به سراغ منوی ویژه این رستوران بروید، باید ۱۰۷۵ یورو برای غذای هر نفر کنار بگذارید.

غذای ۵ ساعته
تجربه حضور در دیسفروتار، تجربه ای منحصر به فرد است و وسایکن هر میز در این رستوران برای صرف پیش غذا، غذا و نوشیدنی باید حدود ۵ ساعت زمان صرف کنند. از این رو می توان ایسن تجربه را با تمام حرف بدهوش، مقرون به صرفه ارزیابی کرد. (یورنیوز، اسکای نیوز و تیرپ ادوایز)

تایید می کنند و در این بین شکافی ۲۵ درصدی پدید آمده است. آمریکایی های با درآمد متوسط، در میانگین قرار دارند و ۵۶ درصد از آنها می گویند که رویای آمریکایی هنوز امکان پذیر است.

حزب گرایی
در حالی که ۵۶ درصد از جمهوری خواهان می گویند که تحقق رویای آمریکایی هنوز امکان پذیر است، ۵۰ درصد از دموکرات ها این ایده را تایید می کنند.
تحصیلات
اکثریت ۵۷ درصدی از بزرگسالان با مدرک لیسانس یا تحصیلات بالاتر می گویند که رویای آمریکایی همچنان ممکن است. این میزان برای تحصیلات دیپلم و کمتر از آن توانسته تنها ۵۰ درصد را با خود همراه کند.

آیا مردم فکر می کنند می توانند به رویای آمریکایی برسند؟

آمریکایی ها همچنین در مورد اینکه آیا فکر می کنند به طور شخصی می توانند به رویای آمریکایی برسند یا خیر، اختلاف نظر دارند. حدود سه نفر از هر ۱۰ نفر، ۳۳ درصد، می گویند که به آن دست یافته اند، در حالی که سه کم می بزرگتر، ۳۶ درصد، می گویند در راه رسیدن به آن هستند. ۳۰ درصد دیگر می گویند این ایده برای آنها دور از دسترس است.
نژاد و قومیت
۳۹ درصد از بزرگسالان سفید پوست، ۱۵ درصد از سیاه پوستان، ۱۹ درصد از بزرگسالان اسپانیایی تبار و ۳۴ درصد از بزرگسالان آسیایی می گویند رویای آمریکایی در زندگی شان محقق شده است. این آمار نشان می دهد که شکاف نژادی در راه رسیدن به رویای آمریکایی وجود دارد.



حکم جدید دیوان عالی مبنی بر ممنوعیت ترامپ، عدالت و دموکراسی را ویران کرده و ساختمان بالاترین مرجع قضایی را به ویرانه و ترامپ را به پادشاه مستبدی تبدیل کرده است که از روی این ویرانه عبور می کند. کار تونی از کارتون موومن

سایت نگار

مرکزی جهانی از جمله یک آمریکایی در نتیجه حمله اسرائیل، هشدار داد که سیاست آمریکا در قبال اسرائیل را بازنگری می کند. جو بایدن به صراحت گفته بود که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در رویکرد خود به غزه مرتکب «اشتباه» شده است. منتقدان اما اقدامات بایدن را ناکافی می دانند. (بی بی سی)

نخست وزیر هلند قدرت را واگذار کرد و با دو چرخه به منزل بازگشت

نخست وزیر سابق هلند پس از طولانی ترین دوره نخست وزیری این کشور قدرت را واگذار کرد و با دو چرخه به منزل خود بازگشت. او در اکتبر سال جاری وظایف خود را به عنوان دبیر کل ناتو بر عهده خواهد گرفت. دیک شوفر، رئیس سابق اطلاعات هلند به عنوان نخست وزیر جدید و جانشین مارک روتته در حضور ویلم الکساندر، پادشاه سوئد یاد کرد و به این ترتیب در راس کابینه ائتلاف راستگرا که مأموریت اجرای سیاست های مهاجرتی سنگین ترانه این کشور را دارد، قرار گرفت. این رویداد، ۲۲۳ روز پس از پیروزی گبرت ویلدرز، رهبر راستگرا در انتخابات پارلمان هلند رخ داد که اروپا و جهان را حیرت زده کرد. حزب او «آزادی»، بعد از ۲۵ سال حضور پارلمانی ۳۷ کرسی را به دست آورد. با سابقه ترین نخست وزیر هلند پس از این که ۱۴ سال در این مقام بود، روز یکشنبه در پی یک سخنرانی تلویزیونی از قدرت کناره رفت. او از دفتر کار خود که قبلاً تخلیه شده بود، گفت: «هلند سنت منحصر به فردی در مصالحه و مسئولیت پذیری دارد و مهم است که ما آن را حفظ کنیم. ما با هم قوی تر از تنهایی هستیم.» طی روزهای گذشته، «سازمان پیمان اتلانتیک شمالی» تصمیم گرفت تا نخست وزیر مستعفی هلند را به عنوان دبیر کل بعدی ناتو و به عنوان جانشین نینس استولتنبرگ، منصوب کند. به نوشته وبسایت رسمی ناتو، مارک روتته از اول اکتبر ۲۰۲۴، زمانی که دوره ریاست استولتنبرگ پس از ۱۰ سال به پایان می رسد، وظایف خود را به عنوان دبیر کل بر عهده خواهد گرفت. انتصاب روتته توسط سفرای ناتو طی نشستاتی در مقر این ائتلاف ۲۲ کشوری در بروکسل انجام شد. به این ترتیب، نخست وزیر سابق هلند در برهه های حساس برای امنیت اروپا، مسئول بزرگ ترین پیمان نظامی جهان خواهد شد. (اپوک تایمز)

بحران آبوهوا کمک خواهد کرد، چرا که شرکت های بزرگ فناوری «به طور جدی» مایل هستند برای استفاده از منابع برق پاک هزینه بیشتری بپردازند. آمارهای بین المللی نیز نشان می دهد که شرکت های بزرگ فناوری خریداران عمده انرژی های تجدید پذیر (خورشیدی، بادی و غیره) هستند تا به اهداف مبارزه با تغییرات اقلیمی برسند. (فردا)

مقام های مستعفی دولت بایدن در بیانیه ای رویکرد آمریکا را «همدستی غیر قابل انکار» در کشتن فلسطینی ها توصیف کردند

شماره ای مقامات دولت جو بایدن که در ماه های اخیر در اعتراض به سیاست آمریکا در قبال غزه استعفا داده اند، می گویند اقدامات دولت آمریکا امنیت ملی را به خطر انداخته است. ۱۲ مقام پیشین دولت جو بایدن که از زمان آغاز جنگ استعفا داده اند با انتشار بیانیه ای مشترک، کاخ سفید را متهم کردند که با ارسال سلاح به اسرائیل و اقدامات دیپلماتیک حمایتی، «به طور غیر قابل انکاری» با دولت اسرائیل در «کشتن» غیر نظامیان و آنچه آنها «حطی» دادن به فلسطینیان خواندند، «همدستی» کرده است. یکی از این ۱۲ مقام سه شنبه (۲ ژوئن) به دلیل سیاست های کاخ سفید در جنگ غزه استعفا داد. مریم حسینی، دستیار ویژه در وزارت کشور آمریکا، دوازدهمین مقامی است که از زمان آغاز جنگ در غزه در اکتبر گذشته از دولت بایدن کناره گیری کرده است. وزارت امور خارجه آمریکا این انتقادهای را رد کرده و می گوید آمریکا قربانی شدن غیر نظامیان را محکوم کرده و کمک های بشردوستانه را به غزه افزایش داده است. پیش از انتشار این بیانیه، بی بی سی دریافت کرده بود که بسیاری از کارمندان دولت در محافل غیر رسمی که شامل حداقل ده ها گروه در برنامه های پیام رسان می شود، نظر مخالف خود را ابراز می کنند. همین مقام ها می گویند صدها نفر از کارکنان دولت عضو این گروه ها هستند. فروردین ماه امسال، شماره ای از مقام های شاغل و پیشین آمریکایی در گفتگو با بی بی سی تایید کرده بودند مخالفت ها در درون دولت در حال افزایش است و مخالفان خواستار اعمال محدودیت های شدیدتر در ارسال تسلیحات به اسرائیل شده اند. در آن زمان، جو بایدن در پی کشته شدن ۷ نفر از کارکنان موسسه خبری اسپیش خانه

افزایش «۴۸ درصدی» انتشار گازهای گلخانه ای توسط گوگل

به دلیل توسعه هوش مصنوعی
در حالی که گوگل، غول فناوری آمریکا، هدف گذاری کرده بود که انتشار گازهای گلخانه ای تا سال ۲۰۳۰ را به «صفر» برساند، گزارش ها نشان می دهد که انتشار گازهای گلخانه ای توسط این شرکت ظرف پنج سال گذشته ۴۸ درصد جهش داشته است. تولید گازهای گلخانه ای این شرکت در سال ۲۰۲۳ نیز ۱۳ درصد رشد داشت و به بیش از ۱۴ میلیون تن رسید. گازهای گلخانه ای مهمترین عامل گرمایش زمین است و جامعه جهانی بر اساس «توافق اقلیمی پاریس» که در سال ۲۰۱۶ امضا شد، در تلاش است که با کاهش انتشار آن، نگذارد تا پایان قرن جاری گرمایش زمین بیش از ۱/۵ درجه افزایش یابد. گوگل روز سه شنبه ۱۲ تیرماه اعلام کرد نه تنها از برنامه «کاهش انتشار گازهای گلخانه ای به صفر تا سال ۲۰۳۰» عقب مانده، بلکه انتشار گازهای گلخانه ای توسط آن جهش داشته است. گوگل می گوید نیاز روزافزون به برق برای تامین انرژی تجهیزات مرتبط با هوش مصنوعی و پایگاه های داده باعث افزایش انتشار گازهای گلخانه ای توسط این شرکت شده است. آژانس بین المللی انرژی

پیش بینی کرده است که مصرف برق حوزه مراکز داده ها و فن آوری هوش مصنوعی تا سال ۲۰۲۶ هزار تراوات ساعت برسد که دو برابر سطح سال ۲۰۲۲ است. چنین حجم عظیمی از انرژی برقی معادل کل مصرف برق ژاپن و ۱/۵ برابر مصرف برق ایران است. مراکز داده ها نقش مهمی در آموزش و اجرای الگوهایی دارند که زیربنای مدل های هوش مصنوعی مانند «جیمینی گوگل» و «جی پی تی ۴» هستند. ناتوانی گوگل به رغم تعهد سفت و سخت آن در سال ۲۰۱۹ برای به صفر رساندن انتشار گازهای گلخانه ای نگرانی ها از تحقق وعده جامعه جهانی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای را برانگیخته است. هوش مصنوعی «اوپن ای آی»، مورد حمایت مایکروسافت نیز باعث عقب افتادگی این شرکت در تحقق اهدافش برای کاهش گازهای گلخانه ای شده و این غول فن آوری نیز اعلام کرده است که رسیدن به هدف صفر کردن انتشار گازهای گلخانه ای شرکت تا سال ۲۰۳۰، در هاله ای از ابهام قرار دارد. با این حال، بیل گیئتس، یکی از بنیانگذاران مایکروسافت هفته گذشته ابراز خوش بینی کرد که هوش مصنوعی به مبارزه با

حادثه روز

کشف جسد زن در شکم یک مار در اندونزی

پلیس استان سولاووسی جنوبی در اندونزی روز چهارشنبه اعلام کرد جسد یک زن در داخل شکم یک مار پیدا شده است. این زن ۳۶ ساله صبح سه شنبه خانه اش را ترک کرده بود تا برای فرزند بیمار خود دارو تهیه کند و پس از آن ناپدید شد. خانواده اش که از ناپدید شدن او نگران شده بودند، به جستجوی او پرداختند. همسر این زن کفش ها و تکه هایی از لباس های او را در فاصله حدود ۵۰۰ متری از خانه شان در روستای سیتینیا پیدا کرد. ایدول، فرمانده پلیس محلی که مانند بسیاری از اندونزیایی ها تنها یک نام دارد، گفت: «پس از مدت کوتاهی، همسر او ماری را در فاصله حدود ۱۰ متری از جاده پیدا کرد. مار هنوز زنده بود.» «اینگ، یکی از مسئولان روستا، گفت همسر زن پس از مشاهده شکم بسیار بزرگ و متورم مار، مشکوک شد و از اهالی روستا خواست که به او در باز کردن شکم حیوان کمک کنند. با باز کردن شکم مار، جسد همسرش را یافتند. این حادثه تلخ و نادر توجه بسیاری را به خود جلب کرده و نگرانی هایی را درباره حضور مارهای خطرناک در مناطق مسکونی برانگیخته است. (دیلی میل)

تحقق رویای کودک سوری با جادوی رونالدو

کریستیانو رونالدو، ستاره پر تالی دنیا فوتبال، با دیدار با عوار، کودک چهار ساله سوری که از بیماری لاعلاج رنج می برد و امضای پیراهن برای او، آرزوی این کودک را بر آورده کرد. رونالدو پیش از آغاز دیدار تیم ملی پر تغال و اسلوانی در مرحله یک هشتم نهایی یورو ۲۰۲۴، با عوار در ورزشگاه فرانکفورت از آن ملاقات کرد. عوار که از تیمور بدخیم رنج می برد، با دیدن رونالدو، اسطوره خود، لبخندی بر لب داشت و لحظه ای شاد و به یاد ماندنی را تجربه کرد. عوار که به همراه خانواده اش از سوریه به آلمان پناهنده شده بود، آرزوی دیدار با رونالدو را داشت. این آرزو به لطف یک پزشک در بیمارستان دانشگاه گیسسن که داستان عوار را در رادیو محلی مطرح کرد، به گوش رونالدو رسید و او با رویی گشاده، این کودک را در آغوش گرفت. (دیلی میل)



یلوژون



مریان اسپانیایی با فوتبال ایران نمی سازند

بر خلاف مریان کروات که موفقیت‌های قابل توجهی در فوتبال ایران داشته‌اند، مریان اسپانیایی هرگز... صفحه ۱۲

خروج از حلقه بحث‌های تکراری مردانه

اولین مجری زن برنامه فوتبالی مردان، روایت‌های جالبی از جنگ و جدال‌های کار خود دارد صفحه ۱۳

حرف‌های داغ هفته



کاویم هزیر آزاد
«آبی روشن» داستانی ساده از اتفاقات روزمره میان مردم عادی را روایت می‌کند. مردمی که اعتقادات مذهبی خود را هم دارند و حتی برای رسیدن به آرزوهای خود خیلی می‌پندند. آقای خواجه‌پاشا به‌عنوان کارگردان، دست روی قصه‌ای گذاشته است که این مضامین را در دل خود دارد اما شعاری نیست. اکثر مردم افرادی مذهبی هستند و جامعه سنتی ما همچنان ریشه‌های مذهبی دارد. کما اینکه مادر من هم نماز می‌خواند و نذر می‌دهد. مدام در حال ذکر گفتن است و شاید بچه‌های نسل جدید در خانواده خود ما مانگونه‌نشانند اما هنوز این ریشه‌ها وجود دارد. «آبی روشن» به گوشه‌ای از زندگی افرادی که به این باورها اعتقاد دارند، می‌پردازد.



بهروز افخمی
در دکور برنامه هفت، یک حالت حسرت برای گذشته سینما را می‌بینیم. زمانی که سینما و فیلم خود را هم دارند و حتی برای رسیدن به آرزوهای خود خیلی می‌پندند. آقای خواجه‌پاشا به‌عنوان کارگردان، دست روی قصه‌ای گذاشته است که این مضامین را در دل خود دارد اما شعاری نیست. اکثر مردم افرادی مذهبی هستند و جامعه سنتی ما همچنان ریشه‌های مذهبی دارد. کما اینکه مادر من هم نماز می‌خواند و نذر می‌دهد. مدام در حال ذکر گفتن است و شاید بچه‌های نسل جدید در خانواده خود ما مانگونه‌نشانند اما هنوز این ریشه‌ها وجود دارد. «آبی روشن» به گوشه‌ای از زندگی افرادی که به این باورها اعتقاد دارند، می‌پردازد.



پیمان جبلی
در باره نحوه طرح سوالات مناظرها در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری) مجری مناسبات «همدی خسروی» از همکاران توانمند رسانه ملی است و نحوه طرح سوالات مناظره هم صریح، روشن و مستند به اظهارات خود نامزدها و منتقدان و طرفداران شان بوده این اساس به نظرم قضاوت مردم با ارزیابی‌هایی که بعضی از اطرافیان و جناح‌های سیاسی می‌کنند، متفاوت خواهد بود. جبلی همچنین درباره بازپخش سریال‌هایی چون «مختارنامه» و «شب دهم» در آستانه محرم که با واکنش‌های مختلف همراه بوده است هم گفت: پخش سریال‌های «مختارنامه» و «شب دهم» از درخواست‌های مردم است. این روزها برای تماشاگران برای فیلم‌های کمدی به سالن‌های سینما می‌روند و نمی‌توان با سینمای امروز با جدیت برخورد کرد. اغلب فیلم‌های این روزها سینمای ما مخاطب را مخاطب با لیکن نگاه می‌کند و جدی گرفته نمی‌شوند.



روح‌الله سهرابی
به منظور حل و فصل مشکلات فیلم‌هایی همچون «ملاقات خصوصی» که از نظر موضوعی مرتبط با قوه همکاران توانمند رسانه ملی است و نحوه طرح سوالات مناظره هم صریح، روشن و مستند به اظهارات خود نامزدها و منتقدان و طرفداران شان بوده این اساس به نظرم قضاوت مردم با ارزیابی‌هایی که بعضی از اطرافیان و جناح‌های سیاسی می‌کنند، متفاوت خواهد بود. جبلی همچنین درباره بازپخش سریال‌هایی چون «مختارنامه» و «شب دهم» در آستانه محرم که با واکنش‌های مختلف همراه بوده است هم گفت: پخش سریال‌های «مختارنامه» و «شب دهم» از درخواست‌های مردم است. این روزها برای تماشاگران برای فیلم‌های کمدی به سالن‌های سینما می‌روند و نمی‌توان با سینمای امروز با جدیت برخورد کرد. اغلب فیلم‌های این روزها سینمای ما مخاطب را مخاطب با لیکن نگاه می‌کند و جدی گرفته نمی‌شوند.



سارا حاتمی
اولین تجربه حضور من مقابل دوربین، مربوط به سریال آقای مهدویان بود و قاعدتا اولین تجربه بازیگری، برای هر بازیگری می‌تواند با تجربه‌های بعدی اش متفاوت باشد. برای من هم همین طور بود. زمانی که در «زخم کاری» بازی می‌کردم، فقط ۱۵ سال داشتم و آقای مهدویان برای بهبود کیفیت حضورم در سریال، از من حمایت می‌کرد. اولین تجربه تصویری من در این سریال به خوبی رقم خورد و همچنان هم اگر نیاز به راهنمایی داشته باشم، حتماً از مشورت‌های آقای مهدویان هم کمک می‌گیرم. اولین ملاکی که برای انتخاب یک نقش دارم این است که فیلمنامه از آن دوست داشته باشم. مهمتر از آن هم این است که حالم با کلیت پروژه خوب باشد.

و حالا در قامت گرد آفرید

نمایش «تبردر رستم و سهراب» از چند وقت دیگر روی صحنه خواهد رفت و پردیس احمدیه ایفاگر یکی از نقش‌های اصلی آن است. او در نمایش حسین پارسایی ایفاگر نقش گردآفرین از زنان نامی شاهنامه است که ناگفته پیداست چالشی مهم برایش محسوب می‌شود. در این نمایش الناز شاکر دوست نقش تهمینه را دارد و امیر آقایی و سینیا مهرداد به ترتیب در نقش رستم و سهراب بازی خواهند کرد. احمدیه بازیگری جوانی است که در میانه دهه ۸۰ نقش آفرینی مقابل دوربین سینما را تجربه کرد و این شانس را داشت که در همین دوران بازیگری، با فیلمسازان شاخصی همچون علیرضا داوودنژاد، فریدون جیرانی، بهمن فرمان‌آرا و زنده یاد داریوش مهرجویی (لامینور) همکاری داشته باشد. احمدیه با حضور در «پوست شیر» ویژه‌ترین نقش آفرینی را در کارنامه خود ثبت کرد و حالا مترصد رقم زدن اتفاق خاص دیگری با «تبردر رستم و سهراب» است. او سال پیش با «دو روز دیرتر» در جشنواره فیلم فجر حاضر شد که دستاورد چندانی برایش به ارمان نیاورد. از پردیس احمدیه به زودی فیلم «پول و پارتی» سعید سهیلی اکران می‌شود که احتمالاً پرفروش خواهد شد و از همین معبر او نیز بیشتر به چشم می‌آید.



این فیلم‌ها را ببینید

دو نفر و نصفی / پنجشنبه / ساعت ۱۰ / شبکه سه

کارگردان: **یدالله صمدی**
تهیه‌کننده: گروه فیلم‌سازی همراه
نویسنده: **یدالله صمدی**
بازیگران: فرامرز قریبیان، علیرضا خمسه و آتیه فقیه‌نصیری
محصول: ایران / ۱۳۷۰

عمر مختار / پنجشنبه / ساعت ۲۰:۳۰ / شبکه نمایش

کارگردان: **مصطفی عقاد**
تهیه‌کننده: **مصطفی عقاد**
نویسنده: **دیوید بوتلر**، اچ‌ای‌ال کرایچ
بازیگران: آنتونی کوئین، الیور رید، راد استایگر
محصول: آمریکا / ۱۹۸۱

بسیاری از ایرانی‌ها، مصطفی عقاد را به واسطه کارگردانی فیلم تحسین برانگیز و نوستالژیک «محمد رسول‌الله(ص)» می‌شناسند. فیلمی حماسی و ماندگار که موفق‌ترین پروژه تاریخ سینما درباره زندگی پیامبران الهی محسوب می‌شود. عقاد پس از این فیلم «شیر صحرا» را ساخت که در ایران با نام «عمر مختار» دوبله و پخش شد. این بار هم ستاره اصلی فیلم آنتونی کوئین بود. این فیلم سینمایی درباره زندگی عمر مختار است. رهبر جنبش مقاومت مردم لیبی که در برابر اشغال‌گری نظامیان ایتالیایی در سال‌های پیش از وقوع جنگ جهانی دوم، ایستادگی می‌کند.

پیشنهاد ویژه هفته

فیور یوسا: حماسه مدمکس | فیلمی

کارگردان: **جرج میلر**
تهیه‌کننده: **جرج میلر**
نویسنده: **جرج میلر**
بازیگران: **جرج میلر**
آرتیست: **جرج میلر**
موسیقی: **جرج میلر**
تیم: **جرج میلر**
ژانر: **جرج میلر**
زبان: **جرج میلر**
انگلیسی / زیرنویس
زمان: **جرج میلر**
۱۴۳ دقیقه

جرج میلر از جمله کارگردانی است که بعد از استیون اسپلبرگ، فیلم‌های علمی و تخیلی با کارنامه‌اش آشنایی نداشته باشند. کارگردانی که پیش‌تر با مدمکس حسابی علاقه‌مندان این ژانر را به هیجان آورده بود و حالا تازه‌ترین قسمت از همین فیلم سینمایی را به سرانجام رسانده است. «فیور یوسا: حماسه‌ای از مدمکس» یک فیلم اکشن پسا-آخر زمانی محصول کشور استرالیا است که تهیه‌کنندگی و کارگردانی آن را جرج میلر برعهده داشته و هم‌زمان در نگارش فیلمنامه آن هم، سهیم بوده است. این پنجمین فیلم از فرنچایز «مدکس» محسوب می‌شود و می‌توان آن را یک فیلم فرعی یا همان اسپین‌آف از «مدکس: جاده خشم» به شمار آورد. اولین نمایش جهانی فیور یوسا در جشنواره کن ۲۰۲۴ رقم خورد و با این‌که مورد توجه منتقدان قرار گرفت، در گیشه انتظارها را برآورده نکرد.

فیلم‌های آخر هفته

شبکه نمایش
پنجشنبه ۱۴ تیر
گرفدار / ساعت ۱۳
اسب رویایی / ساعت ۱۶
مسیح دوست من است / ساعت ۱۷:۴۵
باج / ساعت ۲۰
ستاره‌های دنباله‌دار / ساعت ۲۳
جمعه ۱۵ تیر
مرگ سوار بر اسب می‌تازد / ۱ باامداد
نیوتن / ساعت ۱۳
معاون / ساعت ۱۸:۳۰
ماراکار، قهرمان دریا / ساعت ۲۰:۳۰
تغییر زندگی / ساعت ۲۳

شبکه دو
جمعه ۱۵ تیر
خانه‌های کنار ابرها / ساعت ۱ باامداد

شبکه سه
پنجشنبه ۱۴ تیر
دو نفر و نصفی / ساعت ۱۰

شبکه چهار
پنجشنبه ۱۴ تیر
عمر مختار / ساعت ۲۰:۳۰

شبکه تهران
پنجشنبه ۱۴ تیر
دانیاسوری از اقیانوس‌ها / ساعت ۱۳:۳۰

شبکه کودک
پنجشنبه ۱۴ تیر
فینیک / ساعت ۱۴
جمعه ۱۵ تیر
گره‌بچکمه‌پوش / ۲ ساعت ۱۴

شبکه امید
پنجشنبه ۱۴ تیر
مقر سری / ساعت ۱۷

شبکه سلامت
جمعه ۱۵ تیر
قرار تصادفی من با زندگی / ساعت ۱۱

شبکه فراتر
پنجشنبه ۱۴ تیر
یاقی یک / ساعت ۲۲:۳۰



نمای کلی
کارگردان: **جرج میلر**
نویسنده: **جرج میلر**
تهیه‌کننده: **جرج میلر**
داگ میچل، جرج میلر
بازیگران: **جرج میلر**
آرتیست: **جرج میلر**
موسیقی: **جرج میلر**
تیم: **جرج میلر**
ژانر: **جرج میلر**
زبان: **جرج میلر**
انگلیسی / زیرنویس
زمان: **جرج میلر**
۱۴۳ دقیقه

درباره فیلم
جرج میلر از جمله کارگردانی است که بعد از استیون اسپلبرگ، فیلم‌های علمی و تخیلی با کارنامه‌اش آشنایی نداشته باشند. کارگردانی که پیش‌تر با مدمکس حسابی علاقه‌مندان این ژانر را به هیجان آورده بود و حالا تازه‌ترین قسمت از همین فیلم سینمایی را به سرانجام رسانده است. «فیور یوسا: حماسه‌ای از مدمکس» یک فیلم اکشن پسا-آخر زمانی محصول کشور استرالیا است که تهیه‌کنندگی و کارگردانی آن را جرج میلر برعهده داشته و هم‌زمان در نگارش فیلمنامه آن هم، سهیم بوده است. این پنجمین فیلم از فرنچایز «مدکس» محسوب می‌شود و می‌توان آن را یک فیلم فرعی یا همان اسپین‌آف از «مدکس: جاده خشم» به شمار آورد. اولین نمایش جهانی فیور یوسا در جشنواره کن ۲۰۲۴ رقم خورد و با این‌که مورد توجه منتقدان قرار گرفت، در گیشه انتظارها را برآورده نکرد.

درباره داستان
داستان فیلم مربوط به آینده است و در ویران شهری از استرالیا روایت می‌شود. زمین باری به نام «زمین سبزه مادران بسیار» یکی از آخرین مناطقی است که همچنان آب تازه دارد و در آن کشاورزی می‌شود. مهاجمان، زمین سبزه را در حالی کشف می‌کنند که دو بچه به نام‌های فیور یوسا و والکری، در حال چیدن هلو هستند. فیور یوسا می‌کوشد موتور آن‌ها را خراب کند اما مهاجمان او را می‌گیرند تا به‌عنوان جایزه برای رهبرشان دمتوس ببرند. مادر فیور یوسا که مرگ نام دارد آن‌ها را دنبال می‌کند و همه مهاجمان را بجز یک نفر می‌کشد. آخرین مهاجم فیور یوسا را به دمتوس می‌رساند اما فیور یوسا پیش از این که او بتواند مکان سرزمین سبزه را فاش کند وی را از پا درمی‌آورد. مرگ زندگی وارد اردوگاه می‌شود و فیور یوسا را نجات می‌دهد. این آغاز ماجراست!

نگاه منتقدان
منتقدان در همان اولین رونمایی فیلم «فیور یوسا» از آن استقبال کردند. منتقد ایندپندنت درباره این فیلم نوشت: «جرج میلر کارگردان، سرعت و زیبایی و خشونت بی‌حدوصراً در هم می‌آمیزد و از وسترن‌های سبزه‌پاکین یا پیروی می‌کند: «حتی در مواردی اشرار چارلز دیکنز». منتقد نشریه «اجرای برت‌دات‌کام» هم معتقد است: «میلر نیامده است که ملودرام پرزرق‌وبرق، پیرنگ الگوریتمی یا هنری خاص صفحه کوچک تلویزیون را به نمایش بگذارد. هدف فیلم این است که شما را شگفت‌زده و حتی غافلگیر کند که این کار را می‌کند.» نشریه آیزور هم درباره این اثر حماسی تأکید کرده است: «میلر یک فیلمساز و داستان‌گوی تمام‌عیار است و فیلم سینمایی فیور یوسا اثری حماسی است که یک جهان خیالی اما باورپذیر را پیش روی ما می‌گذارد؛ جهانی با یک اسطوره‌شناسی گسترده و چشم‌اندازی رو به توسعه.»

تغییر هفته | امید به جای بهروز
روز ۸ تیر اعلام شد که پیمان قاسم‌خانی در حال نگارش قسمت دوم «سن پترزبورگ» است و قرار است به جای بهروز افخمی، رامبد جوان قسمت دوم آن را کارگردانی کند. در آن خبر اعلام شده بود که احتمالاً فیلمبرداری این کار از پایان سال آغاز خواهد شد. رامبد جوان دوازدهم تیر، در گفت‌وگو با ایسنا با تأیید خبر کارگردانی «سن پترزبورگ ۲» اعلام کرده: «فیلمنامه هنوز نوشته نشده و پیمان قاسم‌خانی آن را خواهد نوشت. حمید اعتباریان هم تهیه‌کنندگی فیلم را برعهده دارد و آن را سال آینده خواهیم ساخت.» این فیلم در ادامه کمدی موفق ساخته می‌شود که بهروز افخمی براساس فیلمنامه پیمان قاسم‌خانی سال ۸۸ کارگردانی کرد.

بازگشت هفته | سلمان در شاهرو
سریال «سلمان فارسی» به کارگردانی داوود میرباقری در فاز جدید خود یعنی ایران، بار دیگر به شاهرو برگشته است. به گزارش ایسنا، پروژه سلمان فارسی که با بیش از یکپنجاه بازیگر اصلی چهار هزار بازیگر فرعی، از نزدیک به ۵ سال گذشته تاکنون کار خود را شروع کرده، تا مهر امسال در شاهرو به کار خود و فاز ایران ادامه خواهد داد. پیش‌بینی می‌شود مراحل فنی این سریال دست‌کم تا ۵ سال دیگر ادامه داشته باشد. این سریال در سه فصل دوران ایران ساسانی، امپراتوری بیزانس و حجاز صدر اسلام به زندگی و زمانه یار ایرانی پیامبر اسلام(ص) می‌پردازد.




عکس هفته

زنان زخم کاری معنا می‌سازند
سریال «زخم کاری: انتقام» چند ویژگی بارز نسبت به قبل دارد که یکی از آنها پررنگ شدن نقش زنان در داستان است. خبرگزاری فارس در یادداشتی نوشته است: «متن فیلمنامه این سریال از دو نمایانگر «شاه لیر» و «ریچارد سوم» اثر ویلیام شکسپیر، توسط میلاد اکبرنژاد، برداشت شده است. با نیمی‌نگاهی به آن دو اثر، می‌توان حدس زد که در قسمت‌های بعدی سریال، ما به احتمال زیاد، با اتفاقات تکان‌دهنده و میخکوب‌کننده‌ای، روبه‌رو خواهیم شد. اما نکته بارز تر فصل سوم «زخم کاری»، حضور جدی‌تر و مؤثرتر زنان در قصه است.» نویسنده در ادامه اشاره کرده: «منتقدانی که طرفدار جنبش حمایت از زن یا فمینیست بودند، می‌گفتند در فیلم‌ها، یک زن حامل یک معنی است نه تولیدکننده آن. در کار جدید مهدویان که حضور زنان بارز است، می‌بینیم که زنان فقط حامل معنا نیستند، بلکه خود نیز معنا می‌سازند. ماجرا می‌سازند و دنیای جدیدی خلق می‌کنند. زنان زخم کاری، از مرحله زاینده‌گی عبور کرده‌اند و به مرحله گشندگی پا گذاشته‌اند.»




۱۲۰ فوتبالیست برتر تاریخ (قسمت نهم)

جادو گرها و قیصرها

این نهمین قسمت از شمارش معکوس ۱۲۰ بازیکن برتر تاریخ فوتبال است. در هشت ششماره قبلی و در این روایت وارونه اعداد از ششماره ۱۲۰ تا ۱۱ آمده بودیم و به این بازیکن‌ها اشاره کرده‌ایم: فرناندو ردونو، راتول، لوبیز فیگو، لازلو کوبالا، اریک کانتونا، البیور کان، آندره شچفچنکو، یورگن کلینزمن، جان تری، فرانک لمپارد، اشتفان افن برگ، دیوید بکهام، مارسل زابای، آندر یاس برهमे، سرخیو راموس، داوید ویا، توفیلو کوبیلان، ارلینگ هالند، پل اسکولز، الساندرو دل پی‌پرو، پل برایتنر، اریان هیکز، یحیی توره، فابیو کاناوارو، سسک فابر گاس، محمد صلاح، آندره پیرلو، گیورگی هاگی، مسوت اوزیل، الساندرو نستا، ساموئل اوتوئو، رابرت لواندوفسکی، سرخیو بوسکتس، پاتریک ویه‌را، گرت بیل، لوبیز سوارز، نیلتنو سانتوس، پاتولو روسی، ژرژو آ، نیمار، ایگر کاسیاس، یوهان نیسکنس، دیدیه دروگبا، ری‌موند کوبا، آلن شیرر، کنی دالگلیش، شاندر کوچیس، جاسینتو فانتی، هر ی کین، رونالد کومان، اسکافینیو، فرانچسکو توتی، دنیل پارسالا، دینو زوف، دژان ساویسویچ، کارل هاینس رومنیگه، لیلیان تورام، پیتر اشمایکل، گابریل باتیستوتا، فریتز واتنر، کریم بنزما، خاویر زانتی، کوین دی بروینه، هرستو استویچکوف، تونی کروس، مانوئل نویر، سوکراتس، روبرتو کارلوس، دی دی، هیدگوئی، فرانک رابنارد، جرزینیو، تی‌ری آن‌ری، میشل لادروپ، گوردون بنکس، رود گولیت، کاکا، جیانی ریورا، دنیس برگ کمپ، آنخل دی ماریا، کافو، استیون جرارد، لوکا مودریچ، لوبیز سوارز (آن بازیکن اسپانیایی دهه شصت)، ریوالدو، جوزپ مه آتزا، کارلوس آلتور، بابی مور، ریوه لینیو، جیان لوییجی بوفون، جان چارلز، زلاتان ابراهیموویچ، روبرتو باجو، فرانکو باره سی، گلبیان امپایه، زکو، بابی چارلتون، لو تار ماتئوس، جورج بست، روماریو، اوزه بیو، گردمولر، پاتولو مالدینی، لیو یاشین، فرنتس پوشکاش، آندر یاس اینیستا، زای روی ناندز، گارینشا، مارکو فان باستن و پلاتینی. حالا بقیه ماجرا:

۱۰- رونالدینیو. ستاره تکنیکی برزیل که او را به حق شاعر فوتبال می‌دانند. حیف که دوره مطرح شدنش تقریباً یک دهه طول کشید و در اوج بودنش سه یا چهار سال. با این حال تاثیر او بر اتمسفر فوتبال شگفت‌انگیز است. از آخرین جرقه‌های نیوغ برزیلی و لذتی که این نواغ از فوتبال می‌بردند، او در پاری‌سن‌ژرمن مطرح شد، در تیم قهرمان جام جهانی ۲۰۰۲ در کنار رونالدو نازاریو و ریوالدو یکی از سه فتگذار بود و به هنگام حضور در بارسلونا نوعی از شکوه و بزرگی به این تیم بخشید که سال‌ها بعد از آن محروم بودند. با بارسا قهرمان اروپا شد و توپ طلای اروپا را هم برد و بعد هم سر از میلان در آورد. او با آمدن گواردیولا و ظهور لیونل مسی ترجیح داد از بارسا برود.



۹- **آفردو دی استفانو**. آرژانتینی بود و مثل بسیاری از هموطنانش در دهه پنجاه در رویای یک زندگی مرفه‌تر و نفس کشیدن در اتمسفر فوتبال اروپا، راهی اسپانیا شد. درمادرید به رئال مادرید پیوست و در دورهای پرشکوه در نیمه دوم دهه پنجاه و اوایل دهه شصت در کنار پوشکاش و خنتو و ری‌موند کویا، شش قهرمانی باشگاه‌های اروپا را تجربه کرد. هافبک نفوذی بود و تکنیکی و باهوش و محبوب قلب طرفداران رئال مادرید. او دوبار مرد سال فوتبال اروپا شد و توپ طلا را برد.

۸- **فرانتس بکن بائر**.مایه فخر فوتبال آلمان. پسر خوش قیافه باواریا که در خط میانی چهره شد و اسلوب کم نقصش در فوتبال و تصمیمات همیشه هوشمندانه‌اش همراه با تکنیک و قدرت بدنی خویش او را از میانه دهه شصت به یکی از استوانه‌های تیم ملی آلمان بدل کرد. همان تیمی که در جام جهانی ۱۹۷۰ ناباورانه از صعود به فینال باز ماند و در نهایت به مقام سوم رسید. او بعد از این جام جهانی ترجیح داد به یک پست خاص در اسکاد ملی برود. به عنوان لیبرو در پشت مدافعان قرار می‌گرفت و از خاصیت دفاعی‌اش و همزمان قدرت پایه تیر و شگفت‌انگیزش به بهترین نحو ممکن استفاده می‌کرد. او در این نقش چنان ابهت و کارمیزیایی داشت که به او لقب قیصر دادند. سئومی جهان در سال ۱۹۷۰، قهرمان اروپا در سال ۷۲، قهرمان جام جهانی در سال ۱۹۷۴ و بعد هم سه بار قهرمان باشگاه‌های اروپا با بایرن مونیخ. همه این موفقیت‌ها را در کنار دو پار وقادارش کسب کرد. یعنی گرد مولر و سپ مایر. او در این سال‌ها به عنوان یک لیبرو در قلب دفاع آلمان غربی و بایرن مونیخ دوبار هم مرد سال فوتبال اروپا شد تا نشان دهد چه اعجبویی است. او یک دهه بعد سکان ملی آلمان را به عنوان مربی در دست گرفت و دوبار با این تیم راهی فینال جام‌های جهانی ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ شد و در دومین بار قهرمان جهان هم شد.

۷- **رونالدو نازاریو**. گزارهای وجود دارد که طبق آن اگر رونالدو نازاریو اسپر آسیب دیدگی نمی‌شد می‌توانست به عنوان بزرگ‌ترین و بهترین فوتبالیست تاریخ قریب مسی و مارادونا و پله باشد. پسر طلایی که در ۱۷ سالگی در تیم ملی برزیل در جام جهانی ۱۹۹۴ شرکت کرد و هر چند فرصت بازی پیدا نکرد اما نامش به عنوان عضو تیم قهرمان جهان ثبت شده است. به آندوهوون هلند رفت و آنجا به بازیکنی غیر قابل مهار بدل شد تا آنجا که در ۲۰ سالگی توپ طلای اروپا به سال ۱۹۹۷ را برنده شد. به بارسلونا رفت و آنجا طرفداران این تیم را از خوشی دیوانه کرد اما مسئولین این تیم بعد از یک فصل در مقابل پیشنهاد نجومی اینتر میلان نرم شدند و او را به ایتالیا فرستادند. رونالدو فینال جام جهانی ۱۹۹۸ را به عنوان ستاره جادو گر تیم ملی برزیل تجربه نکرد اما آن بازی را به نیوغ و تجربه زیدان و تیم ملی فرانسه باخت. حضورش در اینتر میلان بازمه با انواع جادوگری‌های نمایشی و گل‌های بی‌شمار از سوی او همراه بود اما یک آسیب دیدگی از ناحیه زانو در سال ۲۰۰۰ او را دوسال از فوتبال دور ساخت. همه فوتبال او را تمام شده می‌دانستند با این حال در اواخر سال ۲۰۰۱ به تمرینات بازگشت و بعد به ستاره اصلی برزیل در فتح جام جهانی ۲۰۰۲ بدل شد. وقتی که در هفت بازی هشت گل به ثمر رساند شامل دو گل در فینال بازی‌ها. او همان سال برای دومین بار توپ طلای اروپا را برنده شد و به رئال مادرید رفت برای پروژه کیهکشانای پرز. آنجا بود که به خاطر مقابله با آسیب دیدگی زانوهایش مجبور به مصرف دو تریق کورتون شد و این به اضافه وزن او انجامید و به تدریج با یک سیر نزولی آرام چرآغ فوتبالش خاموش شد. یاد آوردن دورانی که رونالدینیو، رونالدو و ریوالدو و کاکا و کافو هم‌زمان در تیم ملی برزیل حضور داشتند اشک را در چشم هر فوتبالیدوستی جمع می‌کند.



۶- **زین‌الدین زیدان**. ستاره الجزایری‌الاصل بندر ماری‌سی که با تیم بوردو ستاره شد و بعد به یوونتوس رفت و با تیم ملی فرانسه قهرمان جام جهانی ۱۹۹۸ شد و همین‌طور قهرمان جام‌ملت‌های اروپا در سال ۲۰۰۰ و فینالیست جام جهانی ۲۰۰۶. در هر سه تورنمنت زیدان ستاره اصلی تیم ملی فرانسه بود. او با بونستوس و هم بارنل مادرید قهرمانی باشگاه‌های اروپا را تجربه کرد. به‌خصوص قهرمانی در سال ۲۰۰۲ که با گل فوق‌العاده زیبای او به دست آمد. زیدان یک هافبک بازیساز بود که بین دو محوطه جریمه تاخت و تاز می‌کرد و برای خود نقش هدایت تیم را قائل شده بود. تکنیک و خونسردی و تیزهوشی و توانایی‌های بدنی‌اش نام او را به عنوان بزرگ‌ترین هافبک تاریخ ثبت کرده است.

آخر هفته

خروج از حلقه بحث‌های تکراری مردانه

- از دیدن گزارشگرهای تکراری خسته‌ایم**
- اولین مجری زن برنامه فوتبالی مردان، روایت‌های جالبی از جنگ و جدال‌های کار خود دارد**

نگین باقری ابایی ندارد که بگوید: «من فوتبالی نیستم؛ اما دارم تلاش‌م را می‌کنم.» صدنلدی مجری‌گری که مریم ماهر امروز در یک برنامه فوتبالی اینترنتی به دست آورده محصول چند سال بگبر و ببند حضور زنان در برنامه‌های فوتبال مردان بوده. می‌داند این کرسی راحت به دست نیامده و می‌گوید: «چشم‌های ما دیگر از دیدن مردهای تکراری، پشت میزهای برنامه‌های فوتبالی خسته شده بود.» برای همین بعد از نقش‌های کم‌رنجی که در سسریال «مگه تمام عمر چند تا بهاره» و یکی دو اثر سینمایی داشته، حالا در عرصه مجری‌گری ظاهر شده. همان کاری که در ۱۸، ۱۹سالگی با برنامه «حالا خورشید» و همکاری بارضا رشیدپور شروع کرده بود. این یکی اما مجری‌گری برای مسابقات جام ملت‌های اروپا است. او تازه ۲۳سال دارد اما با همین سن کم به جز مجری‌گری، بازیگری، تدریس و فعالیت‌های عمرانی را در ساختمان امتحان کرده، عطش سیری‌ناپذیری برای کشف دنیا دارد و حر بیضانه پایش را در هر کفشی می‌کند. مریم‌ماهور در این گفت‌وگو از جنگ وجدال‌ها، زدوخورد‌ها و کشمکش‌های خودش می‌گوید…

« وقتسی نظشر همکارانم را در باره مجری‌گری مریم ماهر می‌پرسم بدون استئنا همه می‌گویند که اجزای پرهیجانی دارم. یک جورهایی سعی می‌کنی دوربین را سمت خودت بکشانی.

تازه دست و بالم آنجا خیلی بسته است.

« چطور می‌و از چه لحاظ بسته است؟

نه اینکه تذکر بدهند یا سانسور کنند ولی خب ببینید به خاطر لباس‌ت نباید خیلی جلوی دوربین حرکت داشته باشی. مثلاً ببینده‌ها در چیست می‌گویند چسرا روپایی نمی‌زنی؟ من می‌توانم روپایی بزنم ولی یک سری چیزهایی هست که خودت می‌دانی. مثلاً یشب توپ را فرستادم و فقط یک روپایی زدم. هنوز ریسک دارد که کاری مثل روپایی زدن بکنم. مشکل فقط روپایی نیست، مشکل تابوشکنی است که به نظرم دارد اتفاق می‌افتد. اگر من به ترسم غلبه کنم، قطعاً دو نفر دیگر هم می‌گویند پس ما هم می‌توانیم. تازه منن که اصلاً فوتبالی نیودم، ولی شاید تنها رسالت حضور من این باشد که یک نفر با خودش بگوید: «ا بحاله که زن مجری برنامه فوتبال باشه. اصلاً خیلی جاها فوتبال هم بلد نیست، همین که اظهارنظر می‌کنه، باحاله.» کاش یک انجمن برای خانم‌های فوتبالی درست شود. زن‌های مطلعی داریم ولی اعتماد به نفس اظهار آن را ندارند.

« احتمالاً خودت می‌دانی در جایگاهی نشستی که یک بار آزاده سمدی، بار دیگر آزاده نامداری نشسته بودند و به برنامه بعدی ترسیده حذف شدند؛ به خاطر همین هم اجزای تسو در یک برنامه فوتبالی معنادار است.

شاید چشم‌های ما از دیدن آقایان تکراری با همان بحث‌های تکراری خسته شده‌است. شما در مهمانی که به باشد، صحبت مردها از جایی به بعد برایتان جذاب نیست، مثلاً عادل فردوسی‌پور دیگر خدای این کار است، یا نوید استادر حیمی بچه مطلعی است که به

نظرم آن قدر که باید هنوز به حشش ترسیده. ولی حضور یک زن حتی اگر دارد در کنار برنامه جست‌وجو می‌کند و راجع به فوتبال یاد می‌گیرد می‌تواند نمک برنامه‌ای باشد که قبلاً مردانه بود.

« پس گفتنی فوتبالی نیستی.

من بچه بودم اصلاً عروسک بازی نمی‌کردم، فقط توپ داشتم و فوتبال بازی می‌کردم. عاشق این بودم که برای بازی بروم بیرون، با پسرها بازی و دعوا کنم و با پاهای زخمی و خونی برگردم. به خاطر این سبک زندگی‌ام بوده که حالا هم بین زن و مرد تفاوتی قائل نیستم. ۱۰۹سالگی خیلی از کارهایم با پدرم بود. می‌توانستم با او بروم و محیط‌های مردانه را آزمایش کنم. من با پدرم تا ۹سالگی آرایشگاه مردانه می‌رفتم. از یک سنی به بعد آرایشگر گفتم که این دیگر بزرگ شده و اینجا نیاوریدش. آن قدر سوار موتورهای اسنپ شدم که کادوی تولد برایم موتور خریدند و گفتند: بسه. بلند شو خودت برو.

« استادیوم هم رفتی؟ اولین مواجهات با زمین چمن را به خاطر داری؟

بله، ۷سالگی استادیوم رفتم. یک بار که پرسپولیس بازی داشت پدرم من را پوشاکی استادیوم برد. بعد از آن دیگر استادیوم نرفتم. تماشاچی حرفه‌ای نبودم ولی عاشق این بودم در زمین چمن بازی کنم. راستی حمید استیلی، دایی ناتنی من می‌شود.

« به کدام نزدیک تر هستی به مریم بازرگر؟ مریم مجری؟

ناخودآگاه مجری‌گری را بلدم. تصمیم گرفته بودم دیگر مجری‌گری نکنم ولی سیستم‌های سیما را که در کشور دیدم مجری‌گری را قبول کردم. قبل از این برنامه داشتم برای یک نقش قرارداد می‌بستم. به خودم گفتم مریم این همان فرصتی است که گل می‌شود. شبی که می‌خواستند برای قرارداد صدایم بزنند، متوجه شدم فلان خانم سوپرستار که همه هم می‌شناسند، نقش را قبول کرده. وقتی که اینطوری شد گفتم

هیچ عدالتی وجود ندارد. شاید علاقه‌ام به بازیگری به خاطر این است که هنوز قله‌اش را لمس نکردم. رفتن روی بیلبورد یکی از فانتزی‌های ذهن من است و می‌دانم وقتی این اتفاق هم بیفتد همه چیز عادی می‌شود. بالاخره باید چیزی داشته باشبد که برایش بجنگید. دور روز بعد از آن شوک، این پیشنهاد را از آپارات گرفتم. روز اولی که رفتم، آقای احمدی تهیه‌کننده کار را دیدم و گفتم من می‌آیم و خودم را هم می‌رسانم، ولی بیا این را با همدیگر از اول توافق کنیم که من فوتبال نیستم. این جزئیاتی که نوید راجع به بازیکنان می‌داند، من نمی‌دانم ولی خودم را می‌رسانم. به نظرم این استرس همان انگیزه حیات و انگیزه ادامه دادن است.

« کار در تلویزیون را چطور شروع کردی؟ رضا رشیدپور در ۱۸-۱۹سالگی‌ام به من این فرصت را داد که مجری‌گری کنم. آن موقع کلاس کیک بوکسینگ می‌رفتم. مثلاً اگر

کمر بند زرد بودم با کمر بند قهوه‌ای فایت می‌کردم. مادرم برای اینکه این کار از سرم بیفتد، یک روز گفت مدرسه عالی رسانه یک دوره مجری‌گری گذاشته، بیا برو آنجا. رفتم آنجا تست دادم و قبول شدم. دستیار صدا بودم، دستیار تصویر بودم. در خیابان برای گزارش و مصاحبه این جمع می‌کردم. مردم هم همیشه گردی برای جلوی دوربین آمدن دارند و این کار راحت نیست. هرروز ساعت ۴صبح بیدار می‌شدم، ۵-۵:۳۰پلاتوهایم را خودم می‌نوشتم. چون گرمپور زن نداشتم، خودم گرم‌بسم می‌کردم. می‌خواهم بدانید چقدر حجم کار فشرده بود. هم‌زمان دانشگاه می‌رفتم، به دلیل اینکه رشته‌ام عمران بود سر ساختمان هم می‌رفتم. هم‌زمان به دانشکده خبر می‌رفتم و در میان دانشجویهای آقای رشیدپور می‌نشتم. اینطور باب این‌اشنایی باز شد. به علاوه اینکه در ۱۹-۲۰سالگی در یک مدرسه غیرانتفاعی هم ریاضی تدریس می‌کردم.

« چطور به همه این‌ها رسیدی؟

من عمه‌ام در املاک کار می‌کردم. با موتور می‌رفتم املاک و به مشتری‌ها فایل نشان می‌دادم. در آن ۶-۷ ماهی که بودم ۸قرار داد نوشتم. همه این‌ها به تو یک سری توانایی‌های کوچک مثل متقاعد کردن مردم می‌دهد. مثلاً کار املاک یا تدریس انجام می‌دهی، می‌فهمی یا هر قشری یا هر سنی چطور رفتار کنی که متقاعدشان کنی که بیا از من خانه بگیر یا من واحد را اجاره می‌دهم.

« احساس نمی‌کنی که آدم‌ها زیاد در حرف‌هایت می‌برند؟ مثلاً بازی هلند و فرانسه را داشتیم چک می‌کردم. حتی کارشناس از حضورت تشکر کرد و نشان دادند خوشحال هستند از اتفاقی که افتاده است.» اما گاهی احساس می‌کنم آدم‌ها ناخودآگاه فراموش می‌کنند تو هم آنجا حضور داری و باید نظر بدهی و حرف بزنی.

به نظرم به خاطر حجم زیاد اطلاعاتی که مثلاً پارت‌ر منن در اجرا نویسد دارد که آن لحظه احساس می‌کند الان باید این را بگوید. بارها شده نوید در گفت‌وگوها وسط آنتن پیام می‌دهد که این را هم بپرس یا این هم سوال خوبی است. آنتن زنده است و من هم بارها وسط بحث پریدم و این یک موضوع دوطرفه است.

« مجری‌گری برنامه‌های فوتبالی چه چالشی برایت داشت؟

چالش اول اینکه من یک آدم صفر کیلومتر هستم و در حالی که همه قدم می‌زنند، باید می‌دویدم که به آنها نزدیک شوم؛ به آنها حتماً نمی‌رسم اما برای اینکه شوی ذوق مخاطب نخورد باید این‌ کار را بکنم. این به کنجکاو و پرسشگر بودنم هم ربط دارد. مثلاً ما یک بخشی داشتیم که برای اولین‌بار در برنامه اضافه شد که ببینیم ناگلزمن، سرمربی تیم آلمان، تر کبیت تیشم را چطور چیده، باز یکن‌هایی در تر کبیت به کار برده است و استراتژی فوتبال او را پیدا می‌کنیم.

نشستن پای لرز خربزه‌های که نوش جان کرده‌ای!



همین‌طور که می‌گفتم در این بازی پرس تیم اینجا ضعیف بود، دفاع‌شان را سفت و سخت چیده بودند و… بچه‌ها از بالا من را نگاه می‌کردند و می‌خندیدند. می‌گفتند مریم معنی این‌ها را می‌فهمی؟

« پس با انتقاد زیاد مواجه شدی؟

یادم است آقای رشیدپور آن سال‌ها می‌گفت بشین کامنت‌های بد خانم‌های خانه‌دار را بخوان. به رنگ لباس‌ت فحش می‌دهند، با چهره‌ات مشکل دارند، می‌گویند چرا شالت کج‌است؟ ولی یکباره می‌بینی لابه‌لای آن کامنت‌ها چیزی است که واقعا مشکل و باگ تو است. آن را شکار کن و برای خودت بگیر. به همین دلیل الان به من نقد هم شود ناراحت نمی‌شوم.

« احساس می‌کنم هیچ ابایی نداری از اینکه بگویی من به فوتبال مسلط نیستم اما آمده‌ام که راهی را باز کنم.

می‌خواهم بگویم می‌شود فوتبالی شد. می‌خواهم یاد بگیرم و الان انگار در این مدتی که در یورو گذشته یک اعتیادی پیدا کردم به فوتبال. شلوغ کاری و شرط بستن و اذیت کردن آدم‌ها برای من در هر چیزی، لذت‌بخش است. در فوتبال‌دستی حریف می‌طلبم. بلبلیار، در بسکتبال همه را می‌زنم و مدرک غریق شنایم را گرفته‌ام. **« ماجرای برنامسه صدا تو و اینکه مردم گفتند با تقلب جایزه ۲۰۰میلیون تومانی به تو رسیده چه بود؟**

من در اولین قسمت صدا تو به عنوان مهمان رفتم. خیلی هییت از مردم دیدم که چرا اینقدر جیغ می‌زنی خودت خرسره جیغ جیغو. همان قدر که کامنت مثبت می‌دادند یک عده هم می‌گفتند این از خودشان است که با داو‌ها راحت رفتار می‌کنند. من داو‌ها را اولین‌بار آنجا می‌دیدم. با خودم می‌گفتم در برنامه اضافه شد که ببینیم ناگلزمن، سرمربی تیم آلمان، تر کبیت تیشم را فضای صمیمی شکل بگیرد که فرم برنامه دربیاید و بعضی از مردم گوش نمی‌دهند.

شانس بازی بیشتری پیدا کنند.

۴ | هلند خوش‌شانس

هلند خوش‌شانس‌ترین تیم یورو است که با وجود غیبت دو میهمان کلیدی خط میانی (دی یونگ و کومپاینر) و حضور دو تیم‌کشت‌شین (دی فرای و دیپایر) در ترکیب ثابت، سه عنوان تیم سئوم گروه صعود کرده و با گذر از رومانی، به مرحله یک‌چهارم رسیده است. لاله‌های نارنجی با پیروزی احتمالی مقابل ترکیه، به نیمه‌نهایی هم صعود می‌کنند تا به مصاف برنده انگلیس- سوئیس بروند. کومان حتی اگر قرار بود خودش طرعه را بچیند، شاید این راه آسان‌ر را طرعی نمی‌کرد. به نظر می‌رسد اگر خوش‌شانسی هلندی‌ها ادامه‌دار باشد، باید سکوی قهرمانی را برای کومان و رفقا زرزو کرد.

۵ | فینال یورو

بازی فردا آلمان- اسپانیا شبیه فینال یورو است که در یک‌چهارم برگزار می‌شود. آلمان‌ها با تکنیک ناگلزمن به ثبات تیمی رسیدند و در خانه به چیزی جز قهرمانی فکر نمی‌کنند تا وداع تونی کروس با دنیای فوتبال را رویایی‌تر کنند. از سوی دیگر اسپانیا تنها تیمی است که پلن B دارد و همین نکته باعث شکست‌ناپذیری آنها می‌شود. تیمی که با دو ستاره جوان جام (ویلیامز و یامال) و چند بازیکن با تجربه

و مربی دوست‌داشتنی و باتجربه‌ای است، اما این تیم ایتالیا، اسپالتی را هم زیر سوال برده است. البته فقر بازیکن خوب ایتالیایی بیشتر متوجه سری و مدیران باشگاه‌هایی است که ترجیح می‌دهند بازیکنان جوان اسلاو، شرقی اروپا، حوزه بالکان، آفریقا و آمریکای لاتین را با بودجه پایین استخدام کرده و دو، سه سال بعد با رقم هنگفت راهی لیگ برتر یا لیگا کنند. این سیاست

۲ | دی.اِن.ای رئال

اقتصادی باعث پشت در ماندن بازیکنان جوان ایتالیایی شده و بدیهی است که تیم ملی لطمه اصلی را متحمل می‌شود. سال‌هاست ایتالیا بازیکن جوان تراز اولی را معرفی نکرده و بالا‌لا و کیه‌را و چهره‌هایی که به ۳۰سالگی نزدیک شده‌اند، هیچ توفیقی در یورو نداشتند. ببینید وضعیت چقدر آشفته و خراب است که کالافوری تنها با یک حرکت پا به توپ مقابل کرواسی و با وجود آن گل به خودی‌بازی مقابل اسپانیا، چهره روز ایتالیا شده و مشتربانشن رویه‌روی در باشگاه بولونیا صف کشیده‌اند!

ایتالیا به وضوح نیاز به یک تفکر جدید دارد و با گذر از سوئیس و برنده بازی ترکیه- هلند، می‌تواند برای دومین دوره متوالی فینالیست جام ملت‌های اروپا شوند.

۳ | ایتالیای اسپالتی

سورژه هفته انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

۱|انتخاب مادر بهترین انتخاب بود که البته دست من نبود و به دست خدا و کائنات انتخاب شد.راضی‌ام‌از‌ش. اگر راضی باشد از من.البته مادران افسانه‌ای ایرانی چه بالاها که سرمان نیآوردند. مادرانی که مجبور شدیم همه زنان زان را در قیاس با آنها بسنجیم و تریکون (در اصل، تریکمون) بزنیم به انتخاب و نانتخاب‌های زندگی‌مان.

۲|انتخاب اسم ابراهیم نیز برای بهترین انتخاب بود. راضی‌ام از مویرگ‌های مغز پدرم. اما اگر برادر بزرگ‌ترم که یکی دوسالی از من بزرگتر بود و در چندماهگی افتاد مرد نمی‌مرد و شناسنامه‌اش را برایم نگه نمی‌داشتند ا یا باز اسم ابراهیم می‌ماند؟ حتی اگر قرار بود اسم هر دو برادر، ابراهیم باشد من حاضر نبودم اسمم را عوض کنم حتی اگر پیام از خانه بیرونم کند.

۳|از انتخاب شهر تبریز به عنوان زادگاه و شهر عشق، راضی‌ام. اگر چه خودم در این انتخاب نیز نقشی نداشتم چون پدر و پدربزرگم قبل از من تصمیم گرفته بودند از طریق گرده‌افشانی یک فقره درخت موز در خیابان ششگلان تبریز، من به طور اتفاقی در این شهر به دنیا بیایم. نه، من ماساچوست را دوست نداشتم. اگر صدبار دیگر هم قرار بر تولدم باشد لطفاً مراد تبریز به دنیا بیآورید. حتی این بار از طریق گرده‌افشانی یک فقره درخت انبه پیر. یا یک شاه‌توت‌احمق و اسگل.

۴|از انتخاب شغل روزنامه‌نگاری راضی‌ام. البته این هم اتفاقی بود. من که نمی‌توانستم سیاستمدار یا تاجر یا مرده‌شوی باشم؟ یا حتی شوfer ترازیت(گواهینامه دوچرخه و درشکه هم ندارم). اما کاش در زمان و مکان دیگری روزنامه‌نگار می‌شدم که البته این هم دست من نبود. زمان اکنون و مملکت فعلی،

احد بابایی منیر

نشستن پای لرز خربزه‌ای که نوش جان کرده‌ای!

۱|نه زمان، نه مکان! هیچ کدام انتخاب تو نبود که در روزهای پایانی بهمن ۱۲۸۱در تهران خیابان سعدی بالاتر از منوچهری ضلع جنوب غربی بیمارستان امیر اعلم در خیابان هدایت پلاک ۳ با گذاشتی به وسط معر که: برهوت تنهایی زندگی!

شدی کوچکترین فرزند پسر اعضادالملک و بانو‌زیورالملوک با خواهری کوچکتر از خود و دو برادر و دو خواهر بزرگ‌تر از تو!

درست مانند همین آدم‌هایی که سر در گریبان، در کوچه پس‌کوچه‌هاقدم می‌زنند! اندوهی به اندوه دیگر، شهرها هم گاهی بدون هیچ دلیلی، دلنتگ می‌شوند، معباد می‌گیرند و بغض می‌کنند. گریه هم می‌کنند حتی!اگر چه، برای گریستن همیشه دلیلی هست!

قطرات باران روی گونه‌های پاریس کم سرازیر نشده بود! روزهایی هستند که فراموش نمی‌شوند حتی زمانی که تمام شده و به گذشته پیوسته‌اند مثل زخم‌هایی که در گذشت روزگاران بهبود یافته‌اند اما هر از گاهی جایی از وجودت زق زق می‌کند و یادت می‌آورد که روزی روزگاریخون به دل بودی!

آن بعدازظهر تم انگیز در ۱۹۴۰ یکی از همان روزها بود : زمانی کههیتلر پشت بهبرج ایفل و برابر دوربین هاینریش هافمن زبست‌های فاتحانه می‌گرفت، حتی از چشم‌های عکاس ویژه پیشوا نیز پنهان نبود چهره مصیبت زده و سوگوار عروس شهرهای جهان!

هافمن پاریس را می‌نگریست که یک چشمش اشک بود و چشم دیگری خون!

آن غروب دلگیر هم که خسته‌تر از همیشه از پله‌ها بالا

حمید رحمتی

روزی که قطار از ریل خارج شد!

۱|مهم‌ترین پیچ تاریخی نسل‌م ما در مورد انتخاب مسیری درست یا غلط، در سال ۸۴اتفاق افتاد که حالا ۱۹ سال تمام از آن روز می‌گذرد و لحظه‌ای نیست که آه وافسوس از دل پاره پاره‌مان به آسمان نرود و به مسیری بی‌فتمی که بی‌باگشت است و گذشتت زمان فقط جگر را خوربین‌تر می‌کند و ما در قامت جوانان تازه به دوران رسیده‌ای که آرمانگرایی محض ذهن و روحمان را در گیر کرده بود تا به هیچ کم قانع نباشیم و برای به دست آوردن بیشینه‌ترین‌ها خودمان را به آب و آتش بزنیم و آخر کار صدقاً بارز ضرب‌المثل ترکی «پرخوری آدم را از کم خوری هم می‌انزاد!» باشیم و هر چند روز یک بار به آن شب‌اواخر بهاری بیندیشیم که چگونه خود را از این کافی نت به آن یکی می‌رساندیم تا صندوق‌های شمارش شده را چک کنیم و در لحظه شاهد پیروزی را در یک‌دمی آغوش حس کرده و در خلسه کاهیدی مدهوش شویم!

۲|اوایل دهه ۸۰ که به عنوان کارمندی ساده در وزارت نیرو مشغول شدمیم پیرفرزانه ما را کنار کشید و گفت: «شما هنوز جوان هستید و قدر پول و درآمد را نمی‌دانید باید از همین حالا به فکر آینده باشید، نمی‌گویم خرج نکنید، نمی‌گویم عشق و حال نکنید، جوانی کنید، ولی با بخشی از حقوقتان سعی کنید هر ماه یک عدد سکه بهار آزادی خرید و پس‌انداز کنید و بابقیه‌خوش‌باشید مطمئن باشید که بعد از یکی دو سال همین سکه‌ها شما را از همه هم سن و سالانتان جلو خواهد انداخت!» او در خشت خام آنچه را که ما در آئینه هم به سختی می‌توانستیم بباییم می‌دید و می‌دانست حقوق ماهیانه‌ای که با آن دست کم می‌توان بود سه تا سکه تمام بهار خرید در دست جوانکی که نهایت خواسته‌اش از دنیا، خرید یک خط موبایل و گوشی درجه یک و بستن آن به کمز و پز دادن در مقابل دخترکان آفتاب مهتاب ندیده، چرک کف دستی است که

برای یک روزنامه‌نگار غَد و عنق و مستقل، مناسبتی ندارد. مثل دایناسوری پیر که در آسا‌بشگاه روانی رازی بستری است و مدارنگی‌هایش را پرستارها از جلوی چشمش برداشته‌اند.

۵|از قد و قامت خود راضی‌ام؟ صدالبته توفیری برآیم ندارد. بگذار بگویند کوتوله. از کجا معلوم که اگر اندازه برج و بارو و نردبام بودم بهم نمی‌گفتند «قا آن بالا دنیا چقدر شماتیک است؟» منظورم را از شماتیک می‌دانید چیست.

۶|از چشم و ابرو مشکلی بودنم نیز راضی‌ام. یک ترک بالفطره که زیاد نمی‌تواند چشم‌آبی و بور باشد.

۷|مغز مالیخولیایی‌ام نیز باعث پسندم است. رویاهایی که من دیده‌ام احمدشاه هم قدرت تجسم آن را نداشته است.

۸|قدرت مالی؟ از اقبالم در حوزه اقتصاد شخصی نیز بسیار راضی و خرسندم. مخصوصاً بابت خرید آن قطعه زمین در مارلیک که در سال ۶۱به پیشنهاد دوستم و به قیمت ۲۱۰ هزارتومان خریدم و مادرم و زنم و خودم طلاها و فرش و جاجیم و زیرپای‌مان و حتی لباس زیرمان را هم به خاطرش فروختم.اما هنوز اصلاً معلوم نیست یک همچین زمینی در آنجا قرار دارد یا به کره ماه پرواز کرده است. این بهترین معامله عمرم بود.اگرچه از واژه معامله بسیار بدم می‌آید اما این معامله چشمم را بسیار باز کرد. آنقدر باز کرد که دیگر در عمرم نتوانستم دست به خرید مستغلاتی بزنم. گفتم همه‌اش را بدهم به سیگار کنت و چای کلکته و لیموی جهرم.

۹|از زمانه زیستنم راضی نیستم. اگر چه انتخاب آنهم دست پدرم بود. شاید بابام اگر یک قرن زودتر دست جنبانده بود

نشوی .

آن شب هم برایت از دست پاریس کاری برنمی‌آمد جز این که تا خود صبح پلک بر هم نگذاشت.

انتخاب تو، خواب بود و انتخاب پاریس بیداری.

دوشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۳۰ بود!

۷|هر انتخابی، پیامدی دارد:نشستن پای لرز خربزه‌ای که نوش جان کرده‌ای به همین روانی و سادگی! نزدیک به ۶۰سال نوشتن، روزی ۱۳، ۱۴ ساعت قلم در دست گرفتن و نشستن پشت میز و با کلمه‌ها‌سسر و کله زدن، عمر نسوح می‌خواهد که منصورى نداشت .

صبر ایوب می‌خواهد که داشت و بیشتر از ایوب حتی! دستاورد این میزان از تلاش و روز ر با شب دوختن و شب را به سحر پیوند زدن وتولید انبوهکردن، لابدگنج قارون باید به بار می‌آورد که اتفاقاً آورد اما نه‌ه برایجناب‌ذبیح‌الله منصورى که برای عالیجنابان زحمتکش وادی ادبیات: دلان فرهنگی!

دهه شصت، خیلی‌ها از قبل چاپ و نشر غیر قانونی کارهای پیرمرد به آلفا اولافی رسیدند که‌نگو و نپرس. دوره نشریات ۱۳۱۰ و ۴۰ و ۴۰گیر می‌آوردند و کارهای چاپ شده‌او در آن مجلات را صراحی می‌کردند و جلدی و عرضه به بازار: صنعت شریف کتاب سازی!

در عوض پیرمرد در گوشه اتاق کوچکی در ساختمانخواندنی‌ها آب می‌رفت و کم و کمتر می‌شد و دل نگران خانوادهاش بود پس از مرگ خود!

خود روشنفکر پنداران حیرت زده از هجوم مردم به کارهای

و از طریق گرده‌افشانی درخت موز در خیابان ششگلان به دنیاییم می‌آورد در عصر قاجار می‌زیستم که بیشتر به روحیه‌ام اول، دک و پوز بارو‌رای‌دلیل پیاده کردم و در اوج نفرت برگشتم خانه، و همه چیز مالید. هر وقت دم صبح به جلسه‌ای رفتم پیشاپیش مغبون و وزشکسته به خانه برگشتم. با من فقط قرار نیمه‌شب بگذار بد رفقا.

۱۰|از انتخاب دوستانم بسیار راضی‌ام. یعقوب و جمال و دانش و بقیه. اگرچه دیگر همه‌شان مرده‌اند و حتی یک دوست هم از این دار دنیا ندارم. دوست مجازی هم که به صناری نمی‌آرزد.

۱۱|از انتخاب جغر تمه و استامبولی‌پلو به عنوان بهترین غذاهای زندگی‌ام راضی‌ام. من که نمی‌توانستم غذای چینی بخورم. یک روده گندیده گوسفند پیر دشت مغان را به راسته شغال دریایی و قلوه‌گاه اسب دریایی و فیله الاغ دریایی ترجیح می‌دهم.

۱۲|شصت و چندسال زندگی؟ به چه دردم خودر؟ فقط سیگارفروش‌ها ولیموفروش‌ها وچای‌فروش‌ها از من راضی بودند. من در ابتدای جوانی فکر می‌کردم عمرم به دنیا نخواهد بود؛ یا اعدام خواهم شد یا خودکشی خواهم کرد. اما الحمدالله خدا بهم رحم کرد. عنایت کرد. مروت کرد. جوانمردی کرد. بقیه‌اش را هم به عنق چای و لیمو و سیگار ادامه می‌دهیم تا وقت یک سقط شدن عاشقانه.

۱۳|انتخاب‌های «دلی» معمولاً بیچاره‌ام کردند. آدم‌ها را در همان چند ثانیه اول آشنایی، انتخاب یا از خود راندم. اولین بار که برای سسر دبیری روزنامه جهان فوتبال انتخاب شده بودم یاروها ساعت ۶صبح قرار جلسه گذاشتند. من هرگز در زندگی‌ام، ویندوزم تا ساعت ۱۰ و ۱۱ صبح بالا نیامده است. نمی‌دانم چطور بیدار شدم و عین برج زهرمار یا قاتل افسونگر

شهر به محل ملاقات رفتم و آدمی پر از پشم و پیل را دیدم که صورتی یخ داشت و برای مذاکره آمده بود. در همان چند ثانیه اول، دک و پوز بارو‌رای‌دلیل پیاده کردم و در اوج نفرت برگشتم خانه، و همه چیز مالید. هر وقت دم صبح به جلسه‌ای رفتم پیشاپیش مغبون و وزشکسته به خانه برگشتم. با من فقط قرار نیمه‌شب بگذار بد رفقا.

۱۴| کمی بعد برای سسر دبیری روزنامه دیگری دعوت شدم. عصر بود. میدان هفت‌تیر بود. اما رفقا در خانه مجردی منتظرم بودند. اصلاً نفهمیدم پیش‌نهاد پاروها را چطور به کله گاو بزنم و خودم را دم غروب به عزیزانم برسانم. یادم هستت که مدیر کلان روزنامه، سوتیچ ماشینی را به طرفم دراز کرد که «ماشین داری ؟» گفتم «من رانندگی بد نیستم آقا.» کلید خانه اکیباتان را ستمم دراز کرد. این بار گفتم «هناسبتش چیه آقا؟ من از حالا بگویم هیچ محرم‌علی‌خانی‌تان حق دخالت در محتوای ما را ندارد.» گفت «محرملعلی‌خان دیگر کیست. اسمش به گوشم نخورده. حالا بنشین درباره پیش‌پرداخت حرف بزنیم.» در حالی که محتاج بینوای دوزارش بودم گفتم «هیچ مدیر مسئولی حق ندارد از پایه تحریریه بگذارد.» عین علی بونه‌گیر زدم بیرون و سی سال بعد از آن وقایع، بارو را پارسال دیدم. حالا درگیری‌های خودش صاحب‌منصب‌تر شده بود و دمپرش شوfer و بادگیراد و مسئول دفتر و حسابرس پاچفت کرده و دست به سینه ایستاده بودند. بدبختانه کار پروژه تاریخ شفاهی‌ام هم گیر او بود. به بغل دستی‌اش گفتم «این بابا که امروز پشم و پیلش ریخته، یک زمانی برای خودش تاییی بود و نمی‌گذاشت ما پایمان را به ورودی تحریریه بگذاریم.» آدمم بگویم «غلط کردم» که ناگهان رگ گردنم زد بیرون و صحنه را با بزرگواری ترک کردم و رفتم سیگارم را لای درخت‌های سوسن و سنبل محوطه دولتی آتش بزنم و چهارت فحش جدید

دبیح‌الله منصورى و دیده‌نشدن خود دست به کاری زدنند که

خوب بلد بودند و رسم دیرینه این سرزمین است :

تحقیر کردن هر آدم موفق!

او را روزنامه‌چی و باورقی نویسی می‌نامیدند. رضا براهنی از او تحت عنوانپدیده‌ذبیح‌الله منصورى نام برد .

برای پرداختن به ادبیات کلاسیک و رئالیسم جادویی و سر و کله زدن با گابریل گارسیا مارکز وفالکنر و … نه مگر این‌که نخست بایدکتابخوانداشت ؟! اگر تنها کارمنصورى کتابخوان کردن مردم همیشه قهر با خواندن بود، کار بزرگی بود، بسیار بسیار بزرگ !

دبیح‌الله‌خان! جمله آموزگار سوم ابتدایی‌ات اسید حسین طیسی، یادت که نرفته !؟

وقتی شعرى ۴۰، ۵۰بیتی‌ه را در مدّت ۱۵ دقیقه حفظ کردی و تمام و کمال برآی او و همکلاسی‌هایت خواندی، سرى تکان داد و با اندوه گفت :

اگر تنها کارمنصورى کتابخوان کردن مردم همیشه قهر با

خواندن بود، کار بزرگی بود، بسیار بسیار بزرگ !

دبیح‌الله‌خان! جمله آموزگار سوم ابتدایی‌ات اسید حسین طیسی، یادت که نرفته !؟

وقتی شعرى ۴۰، ۵۰بیتی‌ه را در مدّت ۱۵ دقیقه حفظ کردی و تمام و کمال برآی او و همکلاسی‌هایت خواندی، سرى تکان داد و با اندوه گفت :

اگر به جای ۶۰و بیشتر از ۶۰سال نوشتن و در وادی ادب و فرهنگ، حیران و ویلان بودن

سسر همان کوجه خواندنی‌ها، دو جعبه میوه را بسطاط می‌کردی، ۱۹ خرداد ۱۳۶۵، عزاداران، مالک بزرگ‌ترین میوه فروشی تهران را تاسیع جنازه می‌کردند نه پیرمردی فرسوده از نوشتن و کلکسیونى از بیماری‌ها را… ولی گله‌ای نیست: یک عمر خماری، بهای دمی پیاله به دست گرفتن انتخاب خود تو بود، خودت دبیح‌الله خان !

حالا بعد از دو دهه به این نتیجه می‌رسیم که شاید

انتخاب هاشمی معقول تر ین اتفاق ممکن بود که مملکت از آن ریل توسعه‌گرای خود خارج شود و بدون کمترین فراز و فرودى در بخش‌های مختلف به راه خود ادامه دهد ! اما نگاه منفی جامعه به شخص ایشان باعث شد که دو قطبى به وجود آمده در پایان به ضرر طرفین تمام شده و شرایط دگرگون شود. تقریباً اکثر قریب به اتفاق افرادی که سهمگین‌ترین تیرها از گمان‌ها و جهت‌های مختلف بود. از سویی ما تازه به دوران رسیده‌های اصلاح‌طلب، او را نماد تجمل و نگاه از بالا به پایین و فرزندانش را نماد آقا‌دگى و فساد مالی می‌دانستیم و از طرف دیگر راست‌های جوان خیلی بیشتر از آنکه روز تجربه و مهارتش حساب کنند خواستار جدا کردن حساب خود از آن پیر سیاست بودند و به همین دلیل قالیباف را تکنوکرات تر، احمدی‌نژاد را انقلابی‌تر و لاریجانی را راست‌تر از او می‌دانستند ولی در هر صورت رای سنتی بخش‌های زیادی از جامعه به نفع او به صندوق ریخته شد تا صدرنشین مرحله اول شود و با چیزی بیش از ۶ میلیون رای در بالای جدول آرا بایستد و برترى شکندنده‌ای نیست به رقیبا داشته باشد. رقبایی چون کروبی که ۵ میلیون رای ناباورانه به دست آورده بود و قالیباف و معین هر کدام با چیزی بیش از ۴ میلیون رای در رده‌های پایین‌تری بودند و حتی مهرعلیزاده هم بیش از یک میلیون رای به کف آورده بود تا فعرنشین جدول‌على لاریجانی باشد که حالا در دو دوره متوالی فاقد صلاحیت برای کاندیداتوری شناخته می‌شود و آن روزها حمایت جبهه پیروان خط امام و رهبری را پشت سر خود داشت. همه اینها باعث شد که آرا چون گوش‌فریانی بین نامزد‌ها پخش شود و چهره نوظهوری به اسم احمدی‌نژاد با شعار ساده زیستی ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار رای به خود اختصاص دهد و راهی دور بعد شود.

تمرین کنم اقلکم.

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من

انتخاب من